



PaineWebber

We invest in relationships
Established 1879

Complete Financial Services

خدمات کلی سرمایه گذاری

در: سهام (STOCKS)

اوراق قرضه (دولتی - شرکتی - ایالتی) (BONDS, CORP. - MUNI. - GOVT.)

صندوقهای تعاونی پول (MUTUAL FUNDS)

انواع حسابهای بازنشستگی (RETIREMENT PLANNING)

بیمه عمر (ANNUITIES / INSURANCE)

برنامه ریزی مالی (ESTATE PLANNING)

حسابهای جاری و سپرده تحت مدیریت (CENTRAL ASSETS ACCOUNT, RMA)

حسابهای شرکتی با مزیت صدور اعتبار اسنادی (LINE & LETTER OF CRED)

حسابهای تراست (TRUST)

Sam Amir-Ebrahimi

سام امیر ابراهیمی

معاون ارشد مالی در امور سرمایه گذاری

Senior Vice President-Investments

آدرس : 131 S. Rodeo Drive, Suite :200 Beverly Hills, CA 90212

(TEL.) تلفن رایگان : 1 - 800 - 545 - 8914 ، داخلی (EXT.) 3801

(TEL.) مستقیم : 310 - 281 - 3801 ، فکس (FAX) : 310 - 281 - 4644

فدراسیون یهودیان ایرانی

با همکاری (العال) و آژانس مسافرتی: (امید)

تور ۱۵ روزه به اسرائیل برای شما تدارک دیده است.

فقط با ۱۹۹۶ دلار

- * در جشن های ۳۰۰۰ ساله اورشلیم شرکت نموده، از اماکن دیدنی اسرائیل بازدید بعمل آورید و با ما به دیدار رهبران کشور اسرائیل بیایید.
- * این تور از تاریخ ۲۶ فوریه ۱۹۹۶ بمدت ۱۵ روز ترتیب داده شده و چنانچه مایل باشید میتوانید بهزینہ خود تا ۴۵ روز اقامت خود را در اسرائیل تمدید نمائید. (چنانچه هنگام ثبت نام تاریخ برگشت خود را تعیین نکنید برای تمدید مدت اقامت باید مبلغ ۱۰۰ دلار اضافه بپردازید).
- * تور شامل هزینه هواپیمای رفت و برگشت، تمام هزینه هتل های محل اقامت، هر روز صبحانه مفصل اسرائیلی، گردش با اتوبوسهای مجهز و تهیه مطبوع با راهنمای عبری و انگلیسی و فارسی زبان.
- * با توجه به کمبود وقت، لطفاً برای کسب هرگونه اطلاع و ثبت نام به تلفنهای زیر تماس حاصل فرمائید:

فدراسیون یهودیان ایرانی ۷۷۳۰ - ۶۵۵ (۲۱۳) آژانس مسافرتی امید ۲۰۳۱ - ۴۷۷ (۳۱۰)

آقای ابراهیم یاحید ۲۲۱۸ - ۴۵۳ (۳۱۰) خانم عزیز کرمانیان ۶۷۱۸ - ۶۵۲ (۳۱۰)

پرداخت با چک و یا کارتهای اعتباری پذیرفته میشود.

Iranian American Jewish Federation

JOIN US ON A TOUR OF ISRAEL TO CELEBRATE

JERUSALEM'S - 3000 YEARS

15 DAYS - \$ 1996

And visit numerous interesting places in Israel

For further information please call:

IAJF : (213) 655-7730

Omid Travel: (310) 477-2031

Mr. E. Yahid: (310) 453-2218

Mrs. A. Kermanian: (310) 652-6718

The
Olympic
Collection



Banquet and Conference Center

سالن های مجلل و باشکوه برای برگزاری جشنها و کنفرانسها با سرویس بی نظیر

اطلاعیه المپیک کالکشن

در مورد کیتترینگ

در منازل، هتلها و سازمانها

«المپیک کالکشن» ضمن گسترش فعالیتها، آمادگی خود را برای پذیرایی با بهترین غذاهای ایرانی و بین المللی از مهمانان شما، علاوه بر محل المپیک کالکشن، در منازل، هتلها و سازمانهای مورد نظرتان را اعلام می دارد.



المپیک کالکشن کلکسیون از:

- سالن های متعدد و مجلل با ظرفیت ۵۰ الی ۲۰۰۰ نفر

- جهت برگزاری هر نوع جشنها و کنفرانسها

- مجهزترین دستگاههای پخش صوت و تصویر

- مدیران و طراحان ایرانی و خارجی

- غذاهای ایرانی، بین المللی و گلت کاشر (در صورت درخواست)

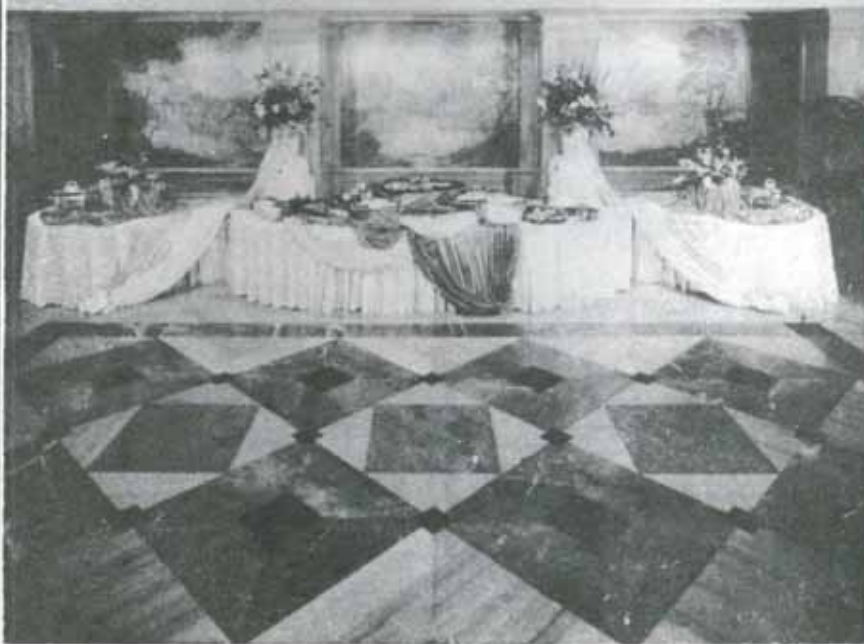
R.C.C. (GLATT KOSHER) تحت نظر ریانوت

11301 W. OLYMPIC BLVD.

AT SAWTELLE

LOS ANGELES, CA 90064

PHONE: (310) 575-4585





*Iranian American
Jewish Federation*

6505 Wilshire Blvd., Suite 811
Los Angeles, CA 90048
Tel: (213) 655-7730
Fax: (213) 655-1221

شوفار

نشریه فدراسیون یهودیان ایرانی

- شوفار بوسیله فدراسیون یهودیان ایرانی که سازمانی است غیر انتفاعی منتشر میشود. هدف ما اعتلای فرهنگ یهود، حفظ و بزرگداشت ارزشهای قومی و اخلاقی یهودیت و توسعه فرهنگ ایران زمین در میان یهودیان ایرانی است.
- نویسندگانی که نوشته هایشان در این نشریه به چاپ میرسد همگی قلم خود را برایگان در اختیار شما گذاشته اند.
- مقالاتی که با ذکر نام نویسنده یا منبع خبری چاپ میشود در محدوده مسئولیت نویسنده یا منبع خبری مربوطه است.
- به استثنای نوشته هائی که «حق طبع محفوظ» اعلام شده، نقل و اقتباس از شوفار با ذکر مأخذ آزاد است.
- شوفار مسئول مندرجات آگهی ها نیست.

شورای نویسندگان

صیون ابراهیمی - سردبیر

الیاس اسحاقیان - مدیر داخلی

دکترهوشنگ ابرامی	شکوه درویش
نینا استوار	فرزانه طالمی
ناصر اوهب	سام کرمانیان
گیتی بروخیم	گیتا کروبیان
دکتر باروخ بروخیم	ابراهیم ویکتوری
نوراله خرازی	پروانه یوسف زاده
خبرنگار عکاس: منصور پوراتحاد	

بهای درج یک نوبت آگهی

تمام صفحه (داخل)	۲۵۰ دلار
نصف صفحه	۱۵۰ دلار
یک سوم صفحه	۱۲۵ دلار
یک چهارم صفحه	۱۰۰ دلار

به سالی دیگر قدم میگذاریم و بار دیگر یکی از وجوه زندگی کردن در پراکندگی را تجربه میکنیم.

حسابش را که میکنیم می بینم که ما یهودیان ایرانی امریکا نشین در طی سالی که گذشته، در سه مورد سال نو را تجربه کرده ایم: نوروز، سال نو عبری و سال نو غربی - و این تازه سوای دیگر اعیادی است که ما از دیدگاه مذهبی و ملی گرامی میداریم. کمی گیج کننده است ولی اگر نیک بیاندیشیم و مثبت به آن بنگریم، خیلی هم قشنگ است. چرا که نه؟ برآستی هر روز میتواند آغازی باشد برای سالی که در پیش است و بهانه ای برای آرزوی بهزیستی برای همگان.

در طول سالی که پشت سر گذاشتیم، در متن جامعه پویای یهودیان ایرانی، ما شاهد تلاشهای بسیاری برای بهبودی وضع جامعه مان بوده ایم. نهادها و سازمانهای مردمی ما، هر یک به شکلی، در خدمت مردم خود بوده اند، با مشکلات بسیاری که بر سر راهشان بوده مبارزه کرده اند و دستاوردهایشان بدون تردید نیکو بوده است و قابل تقدیر. در راستای این تلاشها که در چهارچوبه سازمانهای مختلف انجام میگرفته و میگیرد، گاه نیز متاسفانه تنش هائی میان بعضی نهادها پیش آمده و ما شاهد بوده ایم که که آن دسته از نهادهائی که درباره اینگونه اختلافات، بدون هیاهو و با درایت و مماشات با طرف خود به گفتگو نشسته و به رفع و رجوع اینگونه مسائل پرداخته اند و از هو و جنجال پرهیز کرده اند، اعتبار خود را نزد جامعه شان محفوظ نگهداشته اند.

فدراسیون یهودیان ایرانی با آرمان هماهنگ کردن تلاشهای سازمانهای گوناگون یهودیان ایرانی بوجود آمده و کارنامه درخشان دراز مدتی در دست دارد. کارنامه ایکه متاسفانه به دلایل گوناگون، بخش عمده ای از آن قابل اعلام نیست، اما همانطور که کرارا از طریق شوفار و سایر امکاناتی که در اختیار ما بوده گفته شده، این حق هر یهودی ایرانی است که با اطلاع قبلی به دفتر فدراسیون مراجعه کرده و هرگونه اطلاعاتی را که میخواهد از ما جويا شود. این حق پذیرفته شده هر یهودی ایرانی است که با اطلاع قبلی بخواهد در هر یک از جلسات ما، از هئیت امناء.

انتخابات فدراسیون یهودیان ایرانی در پیش است و در تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۹۶ انجام خواهد گرفت. در این شماره، اطلاعیه ای از چگونگی برگزاری این انتخابات آمده است. از شما همکیشان گرامی می‌خواهیم که به این اطلاعیه توجه فرموده و در کلیه مراحل مربوط به این انتخابات (از سمینارها تا خود انتخابات) فعالانه شرکت جویند و از دیگران نیز بخواهند تا با آنان همراه باشند. چرا که با مشارکت گسترده شما است که ما خواهیم توانست یگانگی اجتماعی خود را حفظ کنیم.

ده ها هزار یهودی ایرانی در طی دو دهه اخیر با خانواده هایشان در خارج از ایران مستقر شده اند. فدراسیون یهودیان ایرانی در این امر شرکت فعالانه و حیاتی داشته و در طول همه این سالها در کنار شما و با شما بوده است. با شما بوده ایم، با شما خواهیم بود چون پشتوانه ما، همه شما هستید.

گرفته تا هیت اجرائی و کمیته های وابسته به آنها شرکت جوید و نظرات خود را با ما در میان بگذارد و برای پرسشهای خود پاسخ بخواهد و چنانچه عضو سازمانهایی باشد که عضو فدراسیون هستند، از طریق نمایندگان سازمان خود در فدراسیون پاسخ خود را دریافت دارد.

بدین ترتیب شما براین کارنامه نظر خواهید افکند و تردیدی نیست که در آن کاستی هائی نیز مشاهده خواهد نمود، چرا که ما هرگز مدعی آن نبوده ایم (همانطور که هیچ کس دیگر نیز نمیتواند باشد) که توانسته ایم در این دگردیسی سهمگین و پر سنگلاخ به همه آرمانهای خود و مردمان دست بیابیم. اما این اطمینان را نیز داریم که پس از آنکه هر انسان عادللی به فهرست فعالیتهای فدراسیون و دستاوردهای آن توجه کند، بر ادعای ما صحه خواهد گذاشت و این امید ماست که با آگاه شدن به این واقعیت ها، همه آنانی که دل در گرو خدمت به مردم خود دارند، بما به پیوندند.

روی جلد: کنیسانی در شهر ونیز ایتالیا که در قرن شانزدهم میلادی ساخته شده است

شما هم می‌توانید از دست چربی‌های اضافی بدن خود خلاص شوید

Harvard Medical School

در ۱۵ سال گذشته گروه پزشکی مرکز تحقیقاتی تغذیه

مسائلی را که افراد چاق در کم کردن و ثابت نگاه داشتن وزن با آن روبرو هستند مورد مطالعه قرار دادند و برنامه جامعی که نتیجه این تحقیقات است، اکنون در کلینیک ما در دسترس شما میباشد. این برنامه شامل مراحل زیر می باشد:

Biochemical Impedance Analysis

۱- اندازه گیری چربی های بدن: با روش جدید

۲- معاینه پزشکی و چک آپ کامل: شامل آزمایشات تیروئیدی و اندازه گیری چربی های

خوب و بد خون

۳- رژیم غذایی مخصوص: (حدود ده هفته) و بدنبال آن برنامه ای برای مصرف متعادل

غذاهای معمولی برای ثابت نگاهداشتن وزن بدن

در این برنامه تأکید بر از دست دادن چربی های بدن است (نه فقط از دست دادن وزن) و از هیچ

داروئی استفاده نمی شود، مگر اینکه اختلالات هورمونی وجود داشته باشد.

DARYOOSH SAMI, M.D., F.A.A.P.

دکتر داریوش سامی

9401 WILSHIRE BLVD., #735
BEVERLY HILLS, CA 90212

TEL (310) 205-0607

گردم آئی خانوادگی فدراسیون یہودیان ایرانی

با شرکت

ہنرمندان محبوبِ گروه بلاک کتر

زمان: یکشنبه ۲۸ رانویہ ۱۹۹۶

مکان: الپیک کالکشن

پذیرائی: ناہار۔ جوجہ کباب کا شہرہ سمرہ با آتش میدنی و دسر

ورود بہ سالن: ساعت ۱۲ ظہر۔ سرونہا ہار: ساعت ۱ بعد ظہر

ہدیہ ورودی: ۳۰ دلار۔ خرد سالانہ کتہر ۱۰ سال ۲۰ دلار

برلہ دریافت کارت ورود لطفاً با دفتر فدراسیون یہودیان ایرانی

تلفن: ۲۷۲۳-۶۵۵ (۲۱۳)

یا بہ الپیک کالکشن در روز گردم آئی مراجعہ فرمائید



*Iranian American
Jewish Federation*

فدراسیون یهودیان ایرانی



An Affiliated Organization
of
JEWISH FEDERATION
COUNCIL
OF GREATER LOS
ANGELES

در خدمت مردم

شورای داوری و حل اختلاف

حاصل کار این شورا متجاوز از هشتاد پرونده اختلاف مالی و خانوادگی است که با تحمل، بردباری، تجربه و تخصص اعضای شورا به آنها فیصله داده شده است. این پرونده ها اگر به دادگاهها مراجعه میشد، چه بسا مستلزم صرف میلیونها دلار هزینه بود و تحمل زیانهای مالی، اتلاف وقت و فشار روحی برای اصحاب دعوی بود. اکنون تلاش تعدادی از معتمدین جامعه و وکلای دلسوز، باعث جلوگیری از متلاشی شدن شیرازه بسیاری از خانواده ها شده است.

بمنظور ارج نهادن به تلاشهای این خادمان صدیق جامعه، از این پس خواهیم کوشید تا در شوفار هر بار یکی از اعضای این شورا را به خوانندگان خود معرفی نمائیم و در این شماره به معرفی آقای عبدالله اعتصامی یکی از معاونان این شورا می پردازیم.

در برابر خرده گیریها و انتقادهای بجا و بیجائی که گهگاه درباره جامعه خود می شنویم گاه نیز به افرادی برمی خوریم که اعمال و رفتارشان دور از هرگونه هیاو و هایهوی تجلی گر تعالیم یهودیت است. یکی از این افراد سرشناس که سالهاست به جامعه ما خدمت می کند عبدالله اعتصامی است. او که فروتنانه همیشه بدون تظاهر و چشمداشت در راه هدفهای اجتماعی خویش گام برداشته از پایه گذاران «صندوق ملی یهودیان ایران» و از مشوقان بسیاری از

با توجه به فعالیتهای چشمگیر شورای داوری و حل اختلاف که از کمیته های وابسته به هیئت امنای فدراسیون یهودیان ایرانی میباشد و دستاوردهای شایان توجه این شورا که در طی عمر تقریباً دو ساله خود توانسته است در رفع اشکالات و اختلافات جامعه بسیار کارساز و مفید باشد گزارش زیر برای آگاهی همگان تقدیم میگردد.

از آغاز، آقای الیاهو قدسیان که از خدمتگزاران صاحب نام جامعه ما میباشد و در انجمن کلیمیان ایران نیز از اعضای فعال شورای داوری و حل اختلاف بودند، به ریاست و آقای مهندس ابراهیم یاحید به سمت دبیر این شورا انتخاب شدند. شورا بلافاصله پس از آغاز کار اقدام به جذب افرادی نمود که در امور اجتماعی سابقه کافی داشتند. از جمله خانم ها ملیحه کشفی، طوبی سومخ، عزت یونسی و زنده یاد رزا شاهی و آقایان، جمشید بخرد، عبدالله اعتصامی، باروخ شاهی، یورام حاسید، نوراله نوروش و حنظفر فرحنیک و الیاس اسفندی. علاوه براین همکاری و خدمات ارزنده وکلای زیر نیز در پیشبرد کار شورا بسیار کارساز بوده:

خانم ها فریبا سلیمانی، اودت ایشلی، آلاله کامران و آقایان کورش بنایان، کورش صدیق پور، شاهرخ مختارزاده و فرهاد یاقوتی.

سازمانهای وابسته به دربار باید با موافقت وی بعمل می آمد.

ما صمیمانه آرزومندیم که آقای اعتصامی چه در مقام حساس خود در کمیته داوری فدراسیون و چه در سمت مهم خویش در Hanmi Bank همچنان موفق باشند و افراد جامعه ما از خدمات لطف آمیز این انسان مردم دار بیشتر بهره مند گردند.

سمینار اعتیاد

همانطور که در شماره های قبل به آگاهی خوانندگان عزیز رساندیم، کمیته امور اجتماعی فدراسیون یهودیان ایرانی بمنظور بررسی مسائل و مشکلات اجتماعی اجرای یک سلسله سمینارهای گوناگون را پیش بینی نموده است.

اولین جلسه این سمینارها برابر آگاهی که در این شماره شوفار بچاپ رسیده، در تاریخ ۱۱ فوریه ۱۹۹۶ در کنیسای بت جیکوب برگزار خواهد شد و موضوع آن آگاهی و پیشگیری از اعتیاد میباشد. با توجه باین امر که اعتیاد خطری است که همه خانواده ها را تهدید میکند، داشتن آگاهی های لازم خواه برای والدین و خواه برای جوانان در مورد چگونگی جلوگیری نمودن از این پدیده خانمان برانداز، از نهایت اهمیت برخوردار است و بهمین دلیل فدراسیون یهودیان ایرانی از کلیه همکیشان گرامی دعوت مینماید تا در این سمینار بسیار مهم شرکت جویند.

کردهمانی خانوادگی ماهیانه

روز یکشنبه ۲۴ دسامبر ۱۹۹۵ مهمانی نهار ماهانه فدراسیون در المپیک کالکشن برگزار گردید. هرچند زمان این کردهمانی مصادف با ایام تعطیلات آخر سال بود و بسیاری از خانواده ها در مسافرت بودند، معهذا تعداد قابل توجهی از خانواده های همکیش همراه با جوانان عضو این خانواده در این



اشخاص دیگر در خدمت به اجتماع است. عبدالله اعتصامی که سالهاست با فدراسیون یهودیان ایران همکاری دارد و آنرا، درحد توانائی اجتماعی خود، حمایت و خدمت میکند اخیراً به سمت معاون «کمیته داوری و حل اختلاف» این فدراسیون انتخاب شده است. ولی از ابتدای تشکیل این کمیته از فعالین آن بود و در رفع بسیاری از اختلافاتی که میان افراد جامعه ما بوجود آمده بهمراه دیگر همکاران خود کوشا و موفق بوده است.

عبدالله اعتصامی که اینک بعنوان معاون ریاست Hanmi Bank در داون تاون لوس آنجلس مشغول بکار است و بعلت دلسوزی انسانی و ذاتی خود میان بازرگانان و صاحبان کارخانه ها و تجارتخانه های این منطقه از محبت فراوان برخوردار می باشد، در سالهای گذشته ریاست اداره وام و اعتبارات بانک مرکزی ایران (بانک ناشر اسکناس همردیف فدرال رزرو) را بعهده داشت و تصویب وامها و اعتبارات کلیه شهرداریها و موسسات دولتی ایران از جمله

سیتی در یوتا ترتیب داده شده بود که با موفقیت به انجام رسید. در این تور متجاوز از ۶۰ نفر از جوانان ما از غرب و شرق امریکا شرکت نمودند و علاوه بر تفریح دسته جمعی، با یکدیگر آشنا شدند. فدراسیون در نظر دارد در آینده برنامه توره‌های گروهی جوانان را دنبال نماید.

تلفن خبری فدراسیون

برای آگاهی همگان از برنامه های جاری فدراسیون یهودیان ایرانی، یک تلفن خبری ۲۴ ساعته بکار گرفته شده که برنامه های اجتماعی فدراسیون را به آگاهی همگان میرساند.

با این تلفن به شماره ۰۵۵۵ - ۶۵۳ (۲۱۳) همکیشان ما میتوانند از برنامه های فدراسیون آگاه شده و برای رزرو جا یا تهیه بلیط مربوط به هر یک از گردهمایی های فدراسیون که از طریق این تلفن از آن آگاهی میابند، با دفتر فدراسیون با شماره تلفن ۷۷۳۰ - ۶۵۵ (۲۱۳) تماس بگیرند.

مهمانی که با هنرمندی خانم لیلا فروهر همراه بود شرکت نموده بودند.

گردهمائی بعدی، برابر آگهی مربوطه که در این شماره شوفار از نظر شما میگذرد، در تاریخ یکشنبه ۲۸ ژانویه ۱۹۹۶ در المپیک کالکشن برگزار خواهد شد و هنرمندان مهمان این گردهمائی گروه بلک کتز خواهند بود.

هدف اصلی فدراسیون از برگزاری این گردهمائی ها، نزدیکی و آشنائی هر چه بیشتر خانواده های یهودی ایرانی با یکدیگر و بویژه آشنا شدن جوانان جامعه ما با همدیگر است و بهمین دلیل فدراسیون از کلیه همکیشان عزیز میخواهد تا با دوستان و آشنایان خود به این جمع خانوادگی به پیوندند.

برنامه اسکی مخصوص جوانان

از سوی فدراسیون یهودیان ایرانی از تاریخ ۲۲ تا ۲۶ دسامبر ۱۹۹۵ یک تور اسکی به سالت لیک

تلفن ۲۴ ساعته

(310) 858-1234

9301 Wilshire Blvd, Suite 409

(at Rexford)

Beverly Hills, CA 90210

- جلوگیری از بیماری های لثه
- جراحی دهان و دندان
- قبول اورژانس های دندانپزشکی

دکتر جیکوب اسحق اف

دندانپزشک

استادیار دانشکده دندانپزشکی . U . C . L . A .

دندانپزشک کودکان و بزرگسالان

- روت کانال
- روکش چینی و دندان های مصنوعی ثابت و متحرک
- زیبایی دندان ها با بایندینگ
- جلوگیری از پوسیدگی دندان ها



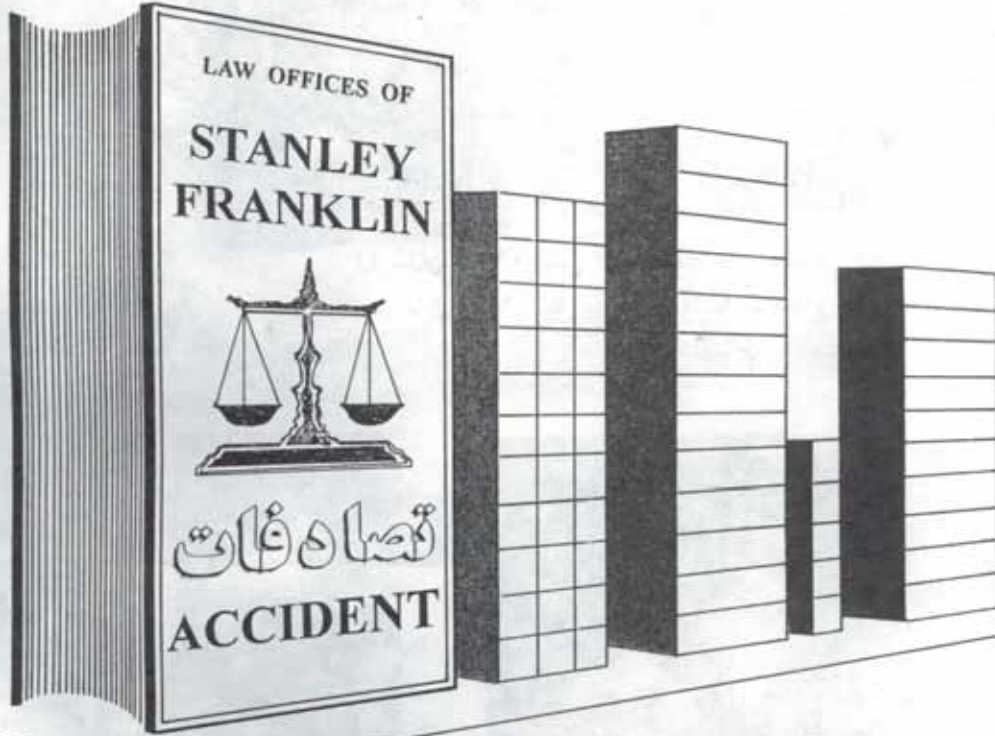
دفتر وکالت

استنلی فرانکلین

با همکاری

پری فرانکلین

در محیط خانوادگی دفتر ما، صمیمانه تر به کار شما رسیدگی می شود



(818) 901-0344 ۲۴ ساعته

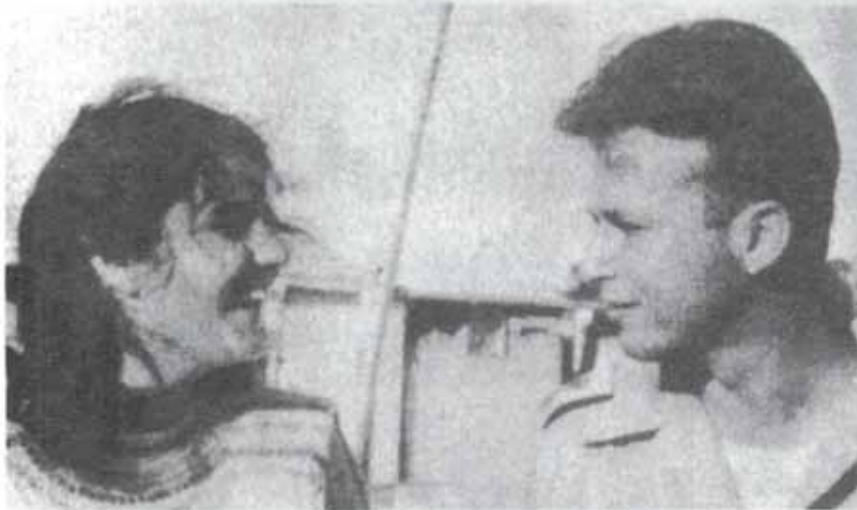
1 (800) 901 - 0344

(For outside of Los Angeles and subject to limited calling areas.)

5900 Sepulveda Blvd., Suite 340 Van Nuys CA 91411

Design: Saeed Sladat

تصویری از زندگی اسحق رابین



تابستان ۱۹۴۸ پس از ازدواج با همسرش لیا. رابین و لیا در سال ۱۹۴۴ با یکدیگر آشنا شدند و هر دو عضو فعال سازمان پالماخ بودند.

۱۹۳۷ - دانشجوی کشاورزی



۱۹۶۳ هنگام دیدار با دیوید بن گوریون نخست وزیر وقت اسرائیل. در این دیدار بن گوریون به رابین قول داد که وی را به ریاست ستاد ارتش اسرائیل برخاوهد گزید.

۱۹۶۷ - رابین و دایان - دو سردار بزرگ پس از پیروزی در جنگ شش روزه در کنار دیوار ندبه

پیامدهای ترور رابین جامعه ما و جامعه جهانی



دنباله روی بی چون و چرا در نزد قوم یهود معنی و مفهوم ندارد و اعتقادات دینی ما نیز پیروی کورکورانه را مجاز نمی شمارد. حالا شما چند میلیون افراد ملتی را با این شیوه اعتقادی و رفتاری کنار هم جمع کنید تا بتوانید درک کنید که در اسرائیل که یکی از شناخته شده ترین دموکراسی های موجود است - چه میگذرد.

در اسرائیل همه با هم بحث میکنند و گاه کارشان به جدل هم میکشد. در اسرائیل احزاب بسیاری وجود دارد و اختلاف نظرهای فراوان. آگاهی سیاسی مردم اسرائیل نسبت به جمعیت این کشور در دنیا کم نظیر است. همه فریاد میزنند، ولی همه فریادها برای بهروزی سرزمینشان است و ملت یهود.

ترور اسحق رابین، نخست وزیر فقید اسرائیل، یکی از تکان دهنده ترین فاجعه هائی بود که نه تنها کشور اسرائیل و ملت یهود بلکه همه جامعه آگاه بشری را متاثر کرد. جامعه بشری را بخاطر از دست دادن سرداری که شهامت آنها داشت تا بگوید، «زمانی است برای جنگ و زمانی است برای صلح» و بخاطر آن مبارزه کند و ملت یهود را بخاطر اینکه دشمنی از اندرون خون برادر خود را ریخته بود.

اگر یهودیت مانده است، بیشتر از هر چیز بخاطر آنستکه نفس دین و اعتقاد ما برپایه بحث و گفت و شنود و پذیرفتن و ناپذیرفتن قرار گرفته است. به آنچه در تورات درباره گفتگوی پروردگار و موسی آمده نگاه کنید و ببینید که پیامبر و رهبر قوم ما حتی با آفریدگار نیز محاجه و بحث داشته.



ایگال امیر

جان انسانها احترام بگذارند. روز بروز و ساعت به ساعت شلومو، همسرم و من به آنان عشق و محبت و بردباری و احترام آموختیم».

گئولا امیر در حالیکه بشدت گریه میکند ادامه میدهد، «هرگز تصور نمیکردم ایگال که فردی آرام و متدین بود، روزی دست به قتل بزند. اکنون تنها وابستگی من به او اینستکه از رحم من زائیده شده - اما می کوشم تا این وابستگی و حتی ارتباط عاطفی خود را با او قطع کنم. ایگال دیگر فرزند من نیست و تا روزی که بمیرم گناه او را از یاد نمی برم. درد و وحشتی که یک مادر تجربه میکند، که فرزندی را با اینهمه دقت و وسواس بزرگ کند و او به یک آدم کش تغییر چهره بدهد، گفتنی نیست. فرزند ما، در خانه ما، آنقدر مواد منفجره ذخیره کرده بود (و ما نمی دانستیم) که در صورت انفجار همه ما نیز نابود میشدیم».

گئولا، در خانه دوستی، تصویر فرزند خود را هنگام قتل رابین و دستگیر شدن می بیند. گئولا میگوید، «مثل دیوانه ها از خانه دوستم بیرون آمدم، بداخل اتومبیلم پریدیم و با سرعتی باور نکردنی بسوی خانه راندم. در مقابل خانه بشدت بروی ترمز کوبیدم و خود را بداخل خانه انداختم که صدای

در اسرائیل متجاوز از ۴۰ درصد مردم با بیشتر سیاستهای حزب کارگر (بویژه دربارهٔ پس دادن زمین به فلسطینی ها) مخالف بوده اند و هستند. در جامعهٔ جهانی یهود هم کم و بیش بهمین نسبت دربارهٔ این موضوع اختلاف عقیده و سلیقه وجود دارد و جامعهٔ یهودیان ایرانی نیز در این تردید سهیم است. اما آنچه که باور هر فرد یهودی است اینستکه برادرکشی و بالاتر از آن کشتن یکی از فداکارترین فرزندان ملت یهود، آنهم بخاطر ایمانش به صلح و دوستی و آرامش میان انسانهایی که قرنهایست در عناد و دشمنی با هم زیسته اند، چیزی است که همهٔ ما از آن پرهیز میکنیم.

ایگال امیر و گروه افراطی راست گرایش اقلیت کوچک جاهلی هستند که در میان همهٔ اجتماعات پیدا میشوند. اگر کسانی در میان ما باشند - خواه جامعهٔ بزرگتر یهودیان جهان - که ایگال امیر را به گروه یا گروههای خاصی - بویژه طبقهٔ روحانی نسبت بدهند، جهل آنان بهمان اندازه است که نادانی کسانی که عکس صورت رابین را بر عکس عرفات می چسباندند و او را عامل نهضت فلسطین میخواندند.

دنیای یهود در مرگ سردار بزرگ خود عزادار است و نیز جهان متمدن بشری. پرهیز کنیم از اینگونه برچسب زدن های ناروا.

نظریات مادر ایگال امیر، قاتل رابین در مورد فرزندش در گفتگو با تلویزیون اسرائیل اظهار داشته، بهترین شاهد این امر است و نیز واکنش های گوناگون رهبران و صاحب نامان جهان در برابر این فاجعه.

مادر ایگال امیر می گوید:

پس از ترور رابین توسط فرزندش، مادر ایگال امیر، گئولا امیر که معلم کودکانی در هرتصلیا است در مصاحبه با تلویزیون اسرائیل میگوید، «من و همسرم به ایگال و سایر فرزندانمان آموختیم تا به

خاک مزار کندی ها:

سناتور ادوارد کندی که همراه با فرزندش پاتریک کندی در مراسم تدفین اسحق رابین شرکت کرده بود اظهار داشت: «پیش از رفتن به اسرائیل، پاتریک مقداری از خاک مزار برادران مقتولم پرزیدنت جان. اف. کندی و سناتور رابرت کندی را جمع آوری کرده و با خود به اسرائیل آورد و هنگام تدفین اسحق رابین، پاتریک این خاک را بخاطر همانندی مرگ این سه انسان بزرگ، بر تابوت رابین پراکند».

شیون و ضجه شلومو همسرم را شنیدم. شلومو گاه گریه میکند، اما آرام. تا بحال هرگز او را باین آشفته‌گی ندیده بودم».

شلومو امیر که مردی است کیپا به سر با ریش سفید میگوید، «من خود همیشه با سیاست های رابین مخالف بوده ام، اما کشتن او، هرگز».

مادر ایگال امیر از تلویزیون اسرائیل خطاب به لیا همسر رابین گفت، «لیا، نمیدانم به تو چه بگویم و آیا آنچه بگویم را باور خواهی کرد یا نه. ولی قلب من گریان است و تا روزی که جان در بدن دارم بخاطر همسر تو ماتمزده خواهم بود».



بدرود ای دوست:

عرفات و لیا

یاسر عرفات، پس از ترور زابین، به دیدار لیا رابین همسر نخست وزیر فقید اسرائیل رفت. این اولین باری بود که عرفات بعنوان رئیس حکومت خودگردان فلسطین به اسرائیل می‌آمد. در این دیدار عرفات ضمن همدردی با لیا به او گفت که همسرش «قهرمان صلح» بوده و او (عرفات) دوستی صمیمی را از دست داده است.

«شالوم خاور» را پس از مرگ اسحق رابین نخست وزیر فقید اسرائیل، برای اولین بار پرزیدنت کلینتون در رثای از دست رفتن این سردار صلحدوست، با چشمان اشگبار بر زبان آورد. «شالوم خاور» اکنون در هر گوشه ای از اسرائیل بر در و دیوار آویزان است، حتی بر روی برچسب هائی که به سپر اتومبیل ها می چسبانند. در عکس بالا «بدرود ای دوست» آویخته بر دیوار خیابانی در رمّت گن دیده میشود.



فدراسیون یہودیان ایرانی

سمینار اعتیاد

آگاہی و پیشگیری سحرانی و بخت آزاد

سحرانان : آقامی سیامک افشار مشاور اعتیاد و خانواده معاین

و خانم آزیتا عیان روان شناس

باستخان همای و کودش ایرانیان معتاد در حال بهبودی

گرداننده برنامه : خانم هماسرشار

مکان : کنیت بت جکوب - شماره ۹۰۳ بلوار المپیک

زمان : یکشنبه ۱۱ فوریه ۱۹۹۶

پذیرائی : ساعت ۵،۳۰ بعد از ظهر

شروع برنامه : ساعت ۶ بعد از ظهر

در این گردهمایی طرح سوالات از طریق کتبی یا شفاهی بمیل پرسش کننده خواهد بود

پانچ سوالات حقوقی : خانم آلاله کامران

فدراسیون یہودیان ایرانی شرکت در این برنامه را به کلمه والدین و جوانان توصیه مینماید

هدیه ورودی : ۱۰ دلار محصلین ۵ دلار

بلیط را از دفتر فدراسیون یہودمان ایرانی شماره تلفن

۷۷۳۰ - ۶۵۵ (۲۱۳)

یا از کنیت ای بت جکوب در روز گردهمایی تهیه فرمائید



خبرهایی از جهان یهود



دروزی ها و حفظ آبروی خانوادگی

به استواری کوه

در میان دروزی های اسرائیل، زن آزاری بشدت رواج دارد. اخیراً در دالیات الکرمل دختری که بدون اجازه خانواده اش با یک عرب بدوی ازدواج کرده بود بدست برادرش به قتل رسید. خانواده این زن برای اینکه آبرویشان را حفظ کرده باشند، همسایه ها را خبر کردند و در مقابل چشمان دهها نفر زنانی که با هر ضربه چاقویی که برادر به تن خواهرش میزد هلله سر میدادند، این زن به طرز فجیعی به قتل رسید.

اسد اسد، نماینده دروزی تبار مجلس از حزب لیکود پس از این فاجعه از رهبران مذهبی دروزی خواست تا از اینگونه کشتارها که زیر عنوان «حفظ آبرو» انجام میگیرد جلوگیری بعمل آورند. وی ضمن حمله شدید باین رهبران مذهبی گفت، «آموزش صحیح در خانواده ها و دهات باید باعث جلوگیری از این فجایع میگردید و متأسفانه سیستم رهبری مذهبی ما دروزی ها ورشکسته است و باعث میشود که دروزی ها در چشم جهانیان بصورت وحشی های بربر جلوه کنند، در حالیکه چنین نیست چون بسیاری از زنان ما به دانشگاه میروند».

در پنج سال گذشته در میان دروزیان، نزدیک به ۱۲۰ زن توسط پدرومادر یا افراد خانواده خود زیر عنوان حفظ شرافت خانوادگی کشته شده اند و بیش از ۱۵۰۰۰ مورد خشونت های شدید از جمله تجاوز گزارش شده است.

نحشون واخمن سرباز جوانی بود که تروریست های فلسطینی او را ربوده به قتل رساندند. اخیراً یهودا واخمن، پدر مقتول، از شیخ بدر یاسین، پدر یکی از قاتلان پسرش در اورشلیم دیدار بعمل آورد و پس از گفتگوهای طولانی مشترکاً اطلاعیه ای صادر کرده در آن از جوانان اسرائیلی و فلسطینی خواستند تا با یکدیگر به گفتگو بپردازند و از خشونت پرهیز کنند.

این دو پدر خواستار صلح سپس با گروهی از جوانان یهودی و عرب محصل به گفتگو نشستند و به پرسشهای آنان پاسخ دادند.

جمع تعداد مهاجران به اسرائیل

از تاریخ تاسیس دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تاکنون، ۲/۵ میلیون مهاجر باین سرزمین آمده است - ۵۹ درصد از اروپا، ۱۹ درصد از افریقا، ۱۵ درصد از آسیا و ۷ درصد از امریکا و اقیانوسیه.

از جمع این مهاجران، ۷۹۵۰۰۰ نفر از ممالک شوروی سابق؛ ۳۴۵۰۰۰ نفر از مراکش، الجزیره و تونس؛ ۲۷۳۰۰۰ نفر از رومانی؛ ۱۷۲۰۰۰ نفر از لهستان؛ ۱۳۰۰۰۰ نفر از عراق؛ ۷۶۰۰۰ نفر از ایران؛ ۷۱۰۰۰ نفر از امریکا؛ ۶۱۰۰۰ نفر از ترکیه؛ ۵۱۰۰۰ نفر از یمن و بقیه از سایر کشورها بوده اند.

اعتصاب غذای وانونو

مردخای وانونو که به جرم سرقت اسرار اتمی و فرار از اسرائیل به ۱۸ سال زندان محکوم شده و دوران محکومیت خود را در زندان اشکلون میگذراند، اخیراً به عنوان اعتراض به اینکه در زندان انفرادی میباشد، دست به اعتصاب غذا زد.

اجازه دیدار و امتیازات دیگری که زندانیان معمولی از آن برخوردار میباشند طبق حکم دادگاه از وانونو سلب شده ولی در اثر اقدامات وکلای مدافع او دادگاه اشکلون تعدادی از این محدودیت ها را کاهش داده ولی خارج شدن او از زندان انفرادی را نپذیرفته است.

تأمین برق از فاضلاب

یکی از دانشمندان اسرائیلی بنام زئو شوارتز که متخصص بیوشیمی و مهندسی محیط زیست میباشد اخیراً طرحی را به دولت تسلیم نموده که براساس آن از گاز متان، فاضلاب برق گرفته خواهد شد.

این طرح به تصویب رسیده و اولین پروژه در زمت یشائی بمورد اجراء گذاشته خواهد شد. براساس این طرح، در حلقه اول از باکتریهای مخصوصی برای میکرب زدائی استفاده خواهد شد و سپس از گاز حاصله بهره برداری میگردد.

دو نفر و دو نظر

«ما در مذاکراتمان برای صلح با فلسطینی ها، هیچ یک از حقوق تاریخی ملت یهود و سرزمین اسرائیل را از دست نداده ایم». از اظهارات شیمعون پرز در پارلمان اسرائیل.

«پیش از آنکه ما زیر قیمومیت انگلیس ها برویم، فلسطینی ها و یهودیان مثل دو همسایه خوب، بدون هیچگونه اختلاف با هم زندگی میکردند». از اظهارات یاسر عرفات در گردهمایی کمیته ملی یهود در نیویورک.

وحدت اردن و فلسطین

براساس آماری که از اعراب دو سوی رود اردن گرفته شده، برای همبستگی اردن و فلسطین، اردنی ها راغب تر از فلسطینی ها هستند - معهذا مردم هر دو سو به اینکار علاقه مند میباشند. این آمارگیری که از طرف مرکز مطالعات و پژوهشهای فلسطین در نابلوس انجام شده نشان میدهد که در صورت رای گیری از طرفین، به تشکیل کنفدراسیونی میان اردن و فلسطینی ها رای کافی داده خواهد شد.

WALL STREET DENTAL GROUP

دندانپزشکی در قلب مشاغل ایرانی دان تاون

با همکاری

دکتر منصور یعقوب زاده - دکتر فرامرز عدالت - دکتر فرشاد لیب

مجهز به آخرین وسائل دندانپزشکی - قبول کلیه بیمه ها و صدیکل

1100 Wall Street, Suite 217
Los Angeles, CA. 90015

Tel: (213) 748 - 4748

رفع توقیف الوطن

انتظار میرود که با آزاد کردن زهار که از رهبران میانه رو حماس است، بزودی میان حماس و نهضت فلسطین مذاکراتی انجام گیرد که منجر به آشتی و مآلاً شرکت این گروه در ساختار حکومت فلسطینی ها گردد.

واپسین لبخند

بیش از پنجاه سال پیش، نازی ها بر روی دست فریدا فریدمن نمره ۳۰۰۷۶ را خالکوبی کردند. چندی قبل گولان فریدمن، نوه ۲۲ ساله فریدا که سرباز ارتش اسرائیل است، سرمیز شام متوجه شد شماره سربازی خود (به هر سربازی در ارتش اسرائیل یک شماره داده میشود) شد که به ۳۰۷۶ ختم میشود.

گولان میگوید، «با دیدن این تشابه، موی بر تنم راست شد، قاشق غذا از دستم افتاد و سرگیجه گرفتم». مادر بزرگ که متوجه ناراحتی نوه اش شده بود، جریان را از او میپرسد و پس از معلوم شدن موضوع اینطور واکنش نشان میدهد. فریدا فریدمن میگوید، «گمان کنم همسرم که بدست آلمانها کشته شد، از آن بالا دارد بمان نگاه میکند و به ریش نازی ها می خندد که نمره ای که بخاطر تحقیر بمن دادند اینقدر با نمره نوه ام مشابه است - شماره افتخار آفرین سربازی در ارتش ملت یهود».

روزنامه الوطن، ارگان سازمان حماس که بطور هفتگی از ژوئیه امسال در غزه منتشر میشود، تاکنون دوبار بعلت توهین به مقامات رهبری فلسطین و بویژه یاسعرفات توقیف شده است.

بنا به اظهار یکی از رهبران حماس، عرفات برای بار دوم به این نشریه اجازه انتشار مجدد داده مشروط براینکه حماس کتباً تعهد نماید که از هتاکی به رهبران نهضت فلسطین خودداری خواهد نمود.

عماد فلوجی سردبیر الوطن در مقالات خود شدیداً عرفات را مورد حمله قرار میدهد.

گروه حماس و انتخابات فلسطین

گروه تروریستی حماس اعلام داشته است که شایعات مربوط به شرکت این گروه در انتخابات فلسطینی ها در مناطقی که بناست در آن رای گیری بعمل آید صحت ندارد، معهذا این گروه برای ایجاد یک رابطه معقول و محکم با مقامات حکومت خودگردان فلسطین در مذاکره است.

مقامات فلسطینی اخیراً محمود زهار، یکی از رهبران ارشد حماس را پس از چند ماه که از دستگیری او میگذشت بنا به دستور عرفات از زندان آزاد نمودند.

Dr. Esagoff

داروخانه هپس

دربورلی هیلز

دکتر آشر اسحق اف

آدرس: ۲۳۳ لاسینگای جنوبی
چند قدم باین ترازو بلشر بلوار

HEPPS PHARMACY
233 S. La Cienega Blvd.
Beverly Hills, CA 90211
(½ Block South of Wilshire Blvd.)
(310) 652-0550

• قبول اکثر بیمه های درمانی و مدیکال
• تحویل دارو و سفارشات بطور رایگان در نزدیکی داروخانه
• لوازم بهداشتی و آرایشی

میلر ۲۳ ساله که در عکس بالا همراه با مادرش مشاهده میشود، در صورت گذراندن دوره مزبور، اولین خلبان زن ارتش اسرائیل در طی ۴۰ سال گذشته خواهد بود. در دهه ۱۹۷۰ این اجازه بمدت کوتاهی به زنان داده شد. قاضی الياهو مازا در رأی خود گفته است که عدم صلاحیت زنان در انجام بعضی از ماموریت های نظامی بخاطر جنسیت آنان باید مبتنی بر اثبات عدم کارآئی آنان باشد.



داروی ضد فلج عضلانی

انستوی وایزمن در اسرائیل اخیراً اعلام نمود که داروئی بنام کوپاکسون کشف نموده که برای معالجه مبتلایان به فلج عضلانی (MS) بسیار نتیجه بخش بوده است.

در آزمایشان کلینیکی، کوپاکسون توانسته است از حمله سیستم دفاعی بدن به عضلات (که علت اصلی این بیماری میباشد) پیشگیری بعمل آورد و از سیر سریع و مداوم این بیماری بکاهد. برای این دارو از طریق شرکت صنایع داروئی تووا در آمریکا درخواست اجازه مصرف شده و این شرکت پنخس جهانی این دارو را انجام خواهد داد.

زنان در نیروی هوایی اسرائیل

دادگاه عالی اسرائیل اخیراً رای داد که آلیس میلر، سروان نیروی هوایی اسرائیل حق دارد دوره خلبانی را گذرانده و در صورت قبول شدن بعنوان خلبان به خدمت خود در نیروی هوایی اسرائیل ادامه دهد.

دکتر فرهاد فرزاد

جراح و متخصص بیماریهای چشم

Tel: (310) 247 - 8282

9301 Wilshire Blvd., Suite 406
Beverly Hills, CA 90210.

عضو آکادمی چشم پزشکان آمریکا
جراحی با لیزر - کنتاکت لنز

اسرائیل، بعد از سوئد، دومین کشوری است که از سوی مقامات اف. دی. ای (که به سخت گیری شدید در مورد صدور اجازه برای پخش مواد غذایی و داروئی شهرت دارند) موفق به اخذ این امتیاز شده است. این اجازه، بدلیل عدم رعایت استانداردهای تعیین شده از سوی اف. دی. ای، از سویس که قبلاً موفق به اخذ آن شده بود، پس گرفته شده و بدین ترتیب سوئد و اسرائیل تنها کشورهائی هستند که اکنون اف. دی. ای آزمایشات علمی آنانرا برسمیت می شناسد.

موافقت نامهٔ مربوطه که اخیراً بین رئیس اف. دی. ای، دکتر دیوید کسلر و وزیر بهداشتی اسرائیل، افرایم سنه به امضاء رسیده باعث میگردد که آزمایشاتی که در امریکا بدلائل مختلف امکان انجام آن نیست در اسرائیل انجام گرفته و باعث اکتشافات علمی بسیاری در اسرائیل گردد.

کامپیوتری کردن سیستم اتوبوسرانی نیویورک

بنا به اظهار مقامات شرکت اتوبوسرانی نیویورک، در مزایدهٔ مربوط به کامپیوتری کردن سیستم اتوبوسرانی نیویورک، سه شرکت به مرحلهٔ نهائی رسیده اند که عبارتند از شرکت تامام، وابسته به صنایع هواپیمائی اسرائیل، و کمپانی های بزرگ وستینگهاوس و ریتان.

تصمیم در مورد اینکه کدام یک از این شرکتها برندهٔ نهائی این قرارداد بزرگ خواهند شد بزودی اعلام خواهد شد. پس از اتمام کار موضوع این قرارداد، سیستم کامپیوتری مورد بحث معلوم خواهد کرد که اتوبوسهای نیویورک که متجاوز از ۳۰۰۰ دستگاه است در هر لحظه در چه محل و مسیری مشغول بکار میباشند. این اطلاعات از طریق ماهواره به کامپیوتر مرکزی داده خواهد شد.

با توجه به دستاوردهای بی نظیر صنایع هواپیمائی اسرائیل در صنعت کامپیوتر، انتظار میرود که شرکت تامام برندهٔ این مزایده گردد.



بازگشت بینائی

ینا زالمال دختر یازده ساله ای که از دو سالگی چشمهایش کور شده بود، اخیراً با کوشش پرفسور دیوید بن عزرا، جراح چشم پزشک بیمارستان دانشگاه حداسا در اورشلیم، بینائی خود را در یکی از چشم هایش بدست آورد.

پرفسور بن عزرا میگوید: من طی سالهای متعددی تجربه ام واکنش های زیادی را در بیمارانی که بینائی خود را دوباره بدست آورده اند دیده ام و به این عکس العمل ها آشنائی دارم. اما وقتی چشمان ینا را باز کردم، او به روزنامه هائی که روی میزم بود نگاه کرد و گفت، «حالا میتوانم به مدرسه معمولی بروم و بخوانم و بنویسم». پرفسور بن عزرا میگوید، «با این حرف ینا، نتوانستم جلوی اشکم را بگیرم».

در عکس بالا پرفسور بن عزرا هنگام معاینهٔ چشم ینا زالمال دیده میشود.

اف. دی. ای و پژوهشهای پزشکی اسرائیل

سازمان نظارت بر مواد غذایی و داروئی امریکا نتایج حاصل از آزمایشات کلینیکی در بیمارستانهای اسرائیل را به رسمیت شناخت.

گروه جوانان یهود ایرانی وابسته به نصح



The New Year's Hottest speaker on the most SIZZLING Topics.

Wednesday January 24th, 1996 (Program includes Dinner and Lecture)

بزرگترین سخن رانی خود را در سال ۱۹۹۶

با آقای دکتر خان‌خانیان تقدیم می‌دارد

این برنامه شب چهارشنبه ۲۴ ژانویه ۱۹۹۶

با شام کاشر و نوشیدنی می‌باشد

بهای بلیط: پیش فروش ۱۲ دلار - در گیشه ۱۵ دلار

این برنامه مخصوص جوانان ۱۸ تا ۳۶ می‌باشد

ساعت شروع برنامه شام ساعت ۷ و سخن رانی ۸/۵ می‌باشد

آدرس: کنیسای نصح اسرائیل در خیابان فرانکلین شماره ۱۵۳۷

برای اطلاع بیشتر با تلفن ۸۴۸۵-۸۲۸-۳۱۰ تماس حاصل فرمائید

فروش بلیط در:

XTACY YOGURT 310-826-0836
PAYMAN FABRICS 213-629-1989
KAMBIZ HAKIMI 818-716-9643
NASSAH ISRAEL 310-453-2218

امور حسابداری و مالیاتی خود را

به اشخاص متخصص **CPA** و باتجربه بسپارید

مؤسسه حسابداری و مشاوره مالی

الیاس عزیز لاوی CPA

عضو انجمن های حسابداری رسمی **CPA** کالیفرنیا و امریکا

عضو انجمن حسابداران خیره انگلستان **FCA**

دارای ۲۰ سال تجربه در امور حسابداری و مالیاتی

- تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی (افراد - شرکتهای سهامی و تضامنی - تراست ها)
- تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی هدیه (Gift Tax Return)
وفالیات برارث (Estate Tax Return)
- مشاوره در امور مالیاتی جهت کاهش بدهی مالیاتی، برنامه ریزی مالیاتی
و ارزیابی Tax Shelter
- تهیه صورت محاسبه افزایش اجاره و هزینه های مربوط به ساختمان های تجاری
و شاپینگ سنتر (C.P.I. and Pass Through Expenses)
- تهیه صورتهای مالی (Financial Statements) جهت اخذ وام از بانک ها
و مؤسسات اعتباری
- طرح، تنظیم و سرپرستی سیستم های حسابداری مالی و حسابداری قیمت تمام شده
- مشاوره در امور سرمایه گذاری جهت خرید و فروش مؤسسات تجاری از قبیل
کارخانجات، مؤسسات خدماتی، مغازه های خرده فروشی و عمده فروشی،
صادرات و واردات
- مشاوره در امور مربوط به حسابرسی مالیاتی I.R.S. Audit و ادعای خسارت
از شرکت های بیمه

ELIAS AZIZ-LAVI

CERTIFIED PUBLIC ACCOUNTANT

8907 WILSHIRE BLVD., SUITE 301
BEVERLY HILLS, CA 90211

Tel : (310) 657-2600

Fax: (310) 657-8981

اطلاعیه مربوط به انتخابات

فدراسیون یهودیان ایرانی

برابر اساسنامه و تصمیمات متخذه از سوی کمیته انتخابات فدراسیون یهودیان ایرانی (فدراسیون) که به تصویب هیت های امناء و اجرائی فدراسیون رسیده، انتخابات پانزده نفر از اعضای هیت امنای فدراسیون از طریق آراء مستقیم در تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۹۶ انجام خواهد گرفت. فدراسیون یهودیان ایرانی از کلیه اعضای واجد شرایط جامعه دعوت مینماید در این امر مهم فعالانه شرکت جویند.

واجدین شرایط برای کاندید شدن

کلیه یهودیان ایرانی تبار مقیم کالیفرنیا که سن آنان ۲۶ سال به بالا بوده و سوء سابقه قضائی نداشته باشند.

کاندیدها باید برای ثبت نام و تکمیل فرم مربوطه تا قبل از اول مارس ۱۹۹۶ به دفتر فدراسیون مراجعه نمایند.

کلیه کاندیدها امکان مساوی از طریق امکانات فدراسیون بشرح زیر برای معرفی خود خواهند داشت:

- نشریه شوفار.
- اطلاعیه ویژه.
- گردهمایی ها یا سایر امکانات ارتباط گروهی.

به استثنای یک معرفی نامه مختصر که قبل یا همراه با اوراق رای گیری پست خواهد شد، کاندیدها الزامی نخواهند داشت تا در مجامع عمومی که در بالا به آن اشاره شده شرکت نمایند. متقابلاً کاندیداهانی که مایل باشند مازاد بر امکانات فوق فعالیتهای بیشتری انجام دهند، مادامی که فعالیتهای مزبور در چهارچوبه روند عادی رفتار معقول اجتماعی باشد، از این بابت مختار خواهند بود.

واجدین شرائط برای رای دادن

کلیه یهودیان ایرانی تبار مقیم کالیفرنیا که سن آنان بالاتر از ۱۸ سال بوده و نام و نشانی صحیح آنان جزو فهرست نشانی های پستی فدراسیون تا تاریخ اول مارس ۱۹۹۶ باشد، واجد شرایط رای دادن میباشدند.

اگر نام شما یا همسرتان درحال حاضر جزو فهرست نشانی های پستی فدراسیون میباشد، بطور اتوماتیک برای شما دو ورقه رای (پیش بینی میشود که جمعاً بیش از ۱۰۰۰۰ ورقه رای فرستاده شود) همراه با فهرست اسامی کلیه کاندیدهای واجد شرایط فرستاده خواهد شد. در اوراق رای گیری

ارسالی برای شما، نام شما ذکر نشده و فقط بر روی آنها شماره مسلسل خورده است که شما میتوانید قبل از ارسال، یک نسخه آنرا نزد خود نگهدارید تا چنانچه در آینده درباره رای خود سوالی داشتید بدان پاسخ داده شود. همراه با اوراق رای گیری و اسامی کاندیداهای، دستورالعمل لازم برای چگونگی رای دادن نیز جهت شما ارسال خواهد شد.

چنانچه شما عضو خانواده ای هستید که نام و نشانی شما جزو فهرست پستی فدراسیون میباشد، ولی بیش از دو نفر واجد شرایط برای رای دادن در این خانواده زندگی میکنند، شما میتوانید با دفتر فدراسیون - قبل از اول مارس ۱۹۹۶ تماس حاصل فرمائید. البته امکاناً رونوشت اوراق شناسایی برای ارسال اوراق رای اضافی مورد نیاز خواهد بود.

چنانچه کسانی را می شناسید که نام و نشانی آنان جزو فهرست پستی فدراسیون نمیشود ولی مایل به رأی دادن هستند، لطفاً از آنان بخواهید با دفتر فدراسیون، قبل از اول مارس ۱۹۹۶ تماس گرفته نام و نشانی خود و سایر اعضای واجد شرایط خانواده تان را در اختیار فدراسیون بگذارند. در این مورد نیز امکاناً به رونوشت اوراق شناسایی، در صورتیکه درخواست برای بیشتر از دو نفر باشد نیاز خواهد بود.

بموازات فعالیتهای «کمیته انتخابات» از سوی هیئت امنای فدراسیون «کمیته نظارت برانتخابات» تعیین شده که اعضای آن عبارتند از آقایان الیاهو قدسیان، پرفسور شموئیل رهبر، نجات گبای و ابراهیم شموئیلیان.

وظائف کمیته نظارت بر انتخابات عبارتست از در اختیار گرفتن کلیه اوراق رای بلافاصله پس از چاپ، نظارت بر پست شدن آن، دریافت مستقیم آراء از رای دهندگان، نظارت بر شمارش آراء و بالاخره تانید و اعلام نتایج آراء. کلیه سازمانهای جامعه که مایلند در کمیته نظارت بر انتخابات نماینده ای داشته باشند میتوانند نماینده خود را حداکثر تا ۱۵ فوریه ۱۹۹۶ به فدراسیون معرفی نمایند. کلیه اوراق رای که از سوی رای دهندگان تکمیل میشود با پاکت هانی پس فرستاده میشود که همراه با ورقه رای فرستاده شده و نشانی آن صندوق پستی جداگانه ای است که فقط «انجمن نظارت بر انتخابات» حق دسترسی به آنرا دارند.

خدمات بیمه و مالی اسحقیان

مشاور و راهنمای صدیق شما در امور بیمه و وام

16200 Ventura Blvd, Suite 201
Encino, CA. 91436

(818) 906 - 3666
(310) 470 - 6938
Fax: (818) 783 - 4312

نوشته: توماس فریدمان

برگردان: پروانه یوسف زاده

شکوفائی اقتصادی در اسرائیل



اینجا من احساس لخت بودن و فقیر بودن میکنم زیرا تنها منم که تلفن دستی ندارم.

چتریازان اسرائیلی، که به لبنان میروند، در یک دست مسلسل اوزی حمل میکنند و در دست دیگر تلفن دستی تا با خانواده شان مرتباً در تماس باشند. سربازان اسرائیلی از لبنان، به یکی از شهرک های شمال اسرائیل تلفنی پیتزا سفارش میدهند و آنرا دم مرز تحویل میگیرند! یکی از دوستان اسرائیلی من میگفت که خواهرش بسیار ناراحت بوده چون حدس زده که پسر سربازش در ماموریت داخل لبنان به نقطه دوری رفته پرسیدم: «چگونه حدس زده؟» گفت «چون پسرش دو روز تلفن نکرده و این بمعنی آنستکه حتماً آنقدر دور شده که تلفنش قادر بگرفتن شماره آنها نیست».

یارون عزراحی، تئوریسین سیاسی اسرائیل میگوید: «تلفن دستی نشانه قدرت و توانمندی شده و جای اسلحه را گرفته است. سابقاً شخصیت و مقام اجتماعی برحسب قدرت و مرتبه نظامی تعیین میشد و اکنون عقربه بطرف قدرت مالی گشته است.» او

بگذارید بدون مقدمه وارد اصل مطلب شوم.

اسرائیل امروز در زمره کشورهای ثروتمند جهان است. درآمد سرانه سالی شانزده هزار دلار است که در مقایسه جهانی، فقط از انگلستان کمی پائین تر است و از اسپانیا بسیار بالاتر.

پیشرفت اقتصاد شکوفای اسرائیل سالیانه به ۶/۸ درصد رسیده است یعنی وارد جدول مقایسه با بیرهای آسیائی چون تایوان شده است. کمپانی پر آوازه اینتل سازنده چیپ های الکترونیکی اعلام داشت که درصدد بنای کارخانه ای با صرف یک میلیارد و ششصد میلیون دلار (بزرگترین رقم سرمایه گذاری خارجی در اسرائیل تا این تاریخ) برای ساختن چیپ های حافظه برای کامپیوتر است. در بازار سهام نیویورک اکنون تعداد نام شرکت های اسرائیلی بعد از کانادا از همه کشورهای خارجی بیشتر است.

اما، برای پی بردن به این حقایق جانی بهتر از خود اسرائیل نیست. در اینجا اکثر مردم را با تلفن سلولار (دستی) می بینید. بنظر میرسد که تلفن دستی ضروری ترین وسیله زندگی است. در

اضافه میکند: «سابقاً سربازان با یک تفنگ و یک کتاب مقدس به جنگ میرفتند و حالا با یک تفنگ و یک تلفن میروند و تلویحا میخواهند بگویند که من برای کیفیت زندگی ام می جنگم».

چگونه اسرائیل این چنین ثروتمند شد؟ در سال ۱۹۸۵ دولت کسر بودجه را بشدت کنترل کرده و از بین برد و بدینوسیله جلوی تورم شدید را سد کرد. همراه با این تنظیم اقتصادی، ششصد هزار مهاجر که اکثراً بسیار تحصیلکرده و دارای مهارت های گوناگون بودند از روسیه وارد کشور شدند. در یک تصمیم گیری تاریخی، دولت بجای جذب مهاجرین طبق برنامه های قبل که شامل فراهم نمودن مشاغل دولتی و برنامه های سوسیالیستی بود، با تنظیم اقتصادی، سرمایه گذاری آزاد را تشویق نمود و تقارن این تصمیم گیری با قدم های اولیه صلح با فلسطینی ها و پایان محدودیت روابط تجارتي با بسیاری از کشورها، بازارهای عظیم جدیدی را برای محصولات پیشرفته تکنولوژیکی اسرائیل فراهم آورد. از جمله این بازارها، چین، هند و ژاپن است و روابط فیما بین روال طبیعی پیدا کرده است.

در سراسر کشور شاهد ساختمان های مختلف می شویم. در مرکز شهر کفارسابا باغ زیبایی بود که اکنون تبدیل به مرکز عظیم خرید شده است. در کیریات گت باغ های پرتقال را زیرورو میکنند تا برای ساختن کارخانه جا باز شود، کارخانه چیب کامپیوتر. دیری نخواهد پائید که اسرائیل تبدیل به وارد کننده پرتقال میوه ملی خود گردد. پیش بینی می کنم که تا سال ۲۰۰۰ اسرائیل دارای حزب جدیدی گردد که برنامه اش حفظ محیط طبیعی زیست در کشور باشد.

هر قدر اسرائیل ثروتمند میگردد بهمان نسبت میل به جنگ نقصان می یابد و این خود در پیشرفت جریان صلح موثر است. اسرائیلی ها از جنگ بیش از آنچه تصور رود زیان می بینند. چندی قبل که نه نفر اسرائیلی بدست تفنگداران لبنانی کشته شدند، یکی از دلایلی که اسرائیل مثل سابق معامله به مثل نکرد، آرام نگهداشتن فصل توریستی و هجوم جمعیت

به شمال کشور بود. هنگامیکه در ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان حمله برد نام آنرا «عملیات صلح گالیله» نهاد و چندی قبل بر یکی از حملات تلافی جویانه بشوخی نام «عملیات صلح برای هتل ها» نهادند.

دولت نگران است که مبادا بموازات فرو نشستن دشمنی با کشورهای دور و بر، اسرائیلی ها چنان با مردمان کشورهای همسایه و جهان مخلوط شوند که هویت یهودی خود را فراموش کنند.

در دانشگاه عبری، کلاسهای اقتصاد و مطالعات آسیائی عده بسیاری را جلب کرده در حالیکه مطالعات و دروس یهودی، سی درصد کاهش داشته است. وزارت آموزش اسرائیل از انستیتوی هارتمن که موسسه مدرنی برای تعلیمات مذهبی است خواسته است تا معلمین مذهبی تربیت کند و بمدارس گسیل دارد تا شاگردان مدارس را تحت تعلیم قرار دهند و ارزشهای یهودیت را بطریقه جدید و با مفهوم بهتر به دانشجویان غیر مذهبی بیاموزند.

اگر تداوم و بقاء در میان دریائی از دشمنان، نتواند همبستگی مذهبی یهودیان را فراهم کند، رهبران کشور میخواهند بوسیله شناسائی ارزشهای یهودیت جبران مافات نموده و هویت آنان را حفظ کنند.

باید خاطر نشان ساخت که انجام این امر آسان نخواهد بود. مک دونالد، تاور رکوردز، بلاک باستر ویدئو و فروشگاههای بنام یاپی در سر یک چهارراه اورشلیم نزدیک هم، بتازگی افتتاح شده اند.

جای تعجب نیست که احزاب مذهبی اسرائیل برعلیه جریان صلح رای داده اند نه برای امنیت بلکه برای حفظ یهودیت، زیرا براین تصورند که مخلوط شدن با کشورهای همسایه، باعث نابودی مفهوم یهودیت خواهد شد. آنها معتقدند که «اکنون صلح» (نهضت طرفداران صلح با اعراب) با «اکنون یهودیت» سازگار نیست و این سؤال است - جنگ با اعراب خاتمه یافته و اکنون جنگ برای هویت یهودی آغاز گشته است.

* توضیح مترجم: «این مطلب یک هفته قبل از سوءقصد به جان اسحق رابین چاپ شده بود».

CENTURY PHARMACIES
& HOME HEALTHCARE CENTER

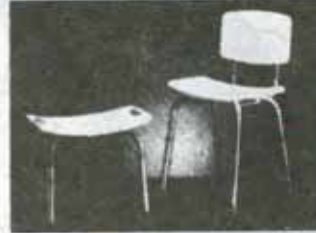
داروخانه های سنچری

و مرکز وسائل سلامتی و بهداشتی در منزل

داروخانه ای که کلیه نیازهای دارویی و بهداشتی شما را برآورده می کند
با موجودی فراوان از انواع داروها و محصولات بهداشتی



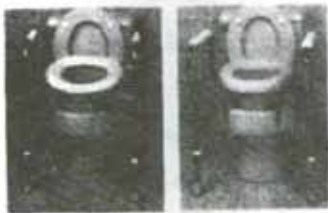
تحويل مستقیم دارو به منازل و از طریق پست



تخفیف مخصوص سالمندان



ما قیمت‌های داروخانه‌های بزرگ آمریکا را از قبیل Thrifty و Save-On می‌شنیم



جوراب و اریس - کمر بند های طبی
برای سرویس سریعتر
از پزشک خود بخواهید
نسخه شما را برای ما فکس کند
کلیه انواع وسایل مخصوص سالمندان ،
تخت‌های الکتریکی بیمارستانی



در سه نقطه مختلف لوس آنجلس کاملاً در دسترس شما

وست لوس آنجلس

۱۱۸۷۰ سانتامونیکا بلوار
۳ بلاک شرق بانفی در شاپینگ سنتر صورتی رنگ

(310) 473-1568

ولی

۱۸۲۵۴ شرمین وی
جنب میلرز مارکت

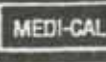
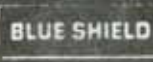
(818) 708-708-0

بورلی هیلز

۴۱۵ کرست در ایوشمالی
روبروی سیتی هال در جنوب سانتامونیکا بلوار

(310) 246-5999

روزهای یکشنبه از ساعت ۱۲ تا ۴ بعد از ظهر، برای راحتی شما باز است



اگر بیمه دیگری دارید با ما مطرح کنید

قبول مدیکال و مدیکر و اکثر بیمه های جدید HMO

برنامه ای جدید برای گرفتن سریع تابعیت امریکا

Citizenship

اکنون ما برنامه ای را برای گرفتن تابعیت امریکا به شما پیشنهاد می کنیم که بجای مدت یکسال، حدود شش ماه بطول خواهد انجامید

- * کارشناسان با تجربه جوئیش فامیلی سرویس (JFS) در خدمت شما هستند.
- * ما بیش از بیست سال در زمینه مهاجرت و امور مربوط به تابعیت امریکا سابقه فعالیت داریم.
- * مصاحبه (INS) در محل جوئیش فدریشن انجام خواهد شد.

برای اطلاعات بیشتر، لطفاً با شماره ۵۵۷۳ - ۶۵۱ (۲۱۳) جوئیش فامیلی سرویس تماس بگیرید

ما خدمات دیگری را نیز در امور مهاجرت انجام میدهم:

- * اخذ اقامت دائم برای افراد پناهنده
- * اخذ پاسپورت سفید
- * اخذ اقامت دائم برای بستگان

ما از طرف Board of Immigration Appeals (اداره استیناف پناهندگان)

مورد تأیید قرار گرفته ایم.

این برنامه همکاری و کمکهای مالی Jewish Community Foundation

(جوئیش فدریشن) و فدراسیون یهودیان ایرانی امکان پذیر گشته است.

ریبا - ربی یهودا بن العازار مصنف کتاب «حووت یهودا»

جاری در اورشلیم چاپ و انتشار یافته است. «ریبا» که طبق پژوهشهای عمیق و مستند نتصر در نیمه دوم قرن شانزدهم میلادی در کاشان متولد شده بوده، پدرش ملاالعازار از رهبران بزرگ جامعه یهودیان کاشان بوده که در دوره سلطنت شاه عباس صفوی مجبور بقبول اسلام شده بوده و فرزندش ربی یهودا «ریبا» با استفاده از شرایط زمان و مکان موفق شده بوده علاوه بر تسلط کامل بر «تنخ» «کمارا و زوهر» و زبانهای عبری آرامی فارسی و عربی با آثار و افکار ارسطو، افلاطون، هارمبام، ربی سعدیاکائون، فارابی، ابن سینا، خواجه نصیرالدین طوسی و غیره نیز آشنائی کامل پیدا کند. ریبا رسماً به پزشکی اشتغال داشته و کتابی بنام «کفایه» درباره تشخیص و معالجه بیماریها نوشته. از سوی دیگر در کتابی بعنوان «تقویم الیهود» از عدم دقت کامل محاسبات نجومی خواجه نصیرالدین طوسی انتقاد کرده است. طبع شعرش در دیوانی بنام «تمثال نامه» یا «هفت وزیران» که در آن به «یحیی» تخلص کرده کاملاً مشهود و هویدا است. «ریبا» بالاخره کتاب پرمغز خود بنام «حووت یهودا» را بزبان فارسی معجون با عبری و عربی برشته تحریر در آورده است. «ریبا» در مورد مسائل مذهبی هم یدطولائی نشان داده و حتی بجای اصول دین سیزده گانه مشهور هارمبام اصولدین چهارگانه زیر را پیش نهاد میکند.

- ۱ - وجود پروردگار یکتا و بی همتا و توانا
- ۲ - آسمانی و تغییر ناپذیر بودن تورات موسی

دانشمند فرزانه آقای پروفیسور امنون نتصر ظرف ده سال کاوش و پژوهش موفق شده است بزرگترین شخصیت علمی فلسفی و مذهبی یهودیان ایران بنام ربی یهودا بن العازار «ریبا» مصنف کتاب «حووت یهودا» را کشف و معرفی نماید. پژوهشهای پیگیر و گسترده پروفیسور نتصر پیرامون گنجینه تاریخ یهودیان ایران و فرآورده های ارزنده اش درباره شعرای یهودی ایران و رویدادهای تکان دهنده بیست و پنج قرن زندگی یهودیان در کشور ایران که در خلال کتابها و مقالات عدیده وی انتشار یافته و می یابد بر هیچیک از افراد جامعه یهودی تباران ایران پوشیده نیست. ولی این بار پروفیسور نتصر با گردآوری و مطالعه و تحقیق و تطبیق دستنویسهای مختلف «حووت یهودا» و حک و اصلاح و ترجمه دقیق و بسیار عالی متون مشکل و پیچیده آن، الحق نه تنها بعنوان یک استاد پژوهشگر تاریخ و ادبیات ایران بلکه بصورت یکنفر محقق تمام عیار علوم معقول و منقول، اثر بی نظیری از تراوشات عقلی و نقلی این بزرگترین شخصیت فلسفی و مذهبی یهودیان ایران را که تاکنون در گمنامی کامل پوشیده بوده در اختیار هم میهنان و هم مسلکان خود قرار داده است.

این اثر ارزنده و بسیار جالب پروفیسور نتصر در کتابی شامل بیش از ۶۰۰ صفحه بقطع خشتی از سوی موسسه بن صوی جهت پژوهش پیرامون جوامع یهودیان خاور زمین و دانشگاه عبری اورشلیم در سال

۳ - اصول و رموز نبوت و پیامبری

۴ - رستاخیز در گذشتگان

و اگر اصطلاح معروف «موشه بن عمران تا موشه بر میمون» هارمبام کسی به بزرگی موشه «هارمبام» برنخاسته» میتوان چنین نتیجه گرفت که «ریبا» علیرغم تجلیش از هارمبام، خود را از وی کمتر نمی پنداشته بلکه والاتر میدانسته است.

«ریبا» نه تنها از هارمبام و خواجه نصیرالدین طوسی بلکه حتی از «راشی» سرشناس ترین و مشهورترین مفسران کتاب مقدس هم خرده میگیرد. بعقیده «ریبا» انسان اشرف مخلوقات و دارای نفس ناطقه یعنی دارای نصیبی از الهی است که از بدو تولد مرتباً رو به تکامل میرود تا به کمال حقیقی برسد و متوجه شود که منظور از حیات بشر تنها خوردن و نوشیدن و تولید مثل نبوده و از اینها مهمتر عبادت پروردگار و بقای نفس در عالم باقی است. مذهب یهود هم مذهبی ربانی و خدائی است که برای درک آن بایستی با حکمت الهی آشنا شد که اقیانوسی بیکران است و به غایت آن نمیتوان دست یافت. هسته اساسی و فلسفی اصول اعتقاد بر سه پایه استوار است:

بدیهیات که نیازی به اثبات ندارند، واجب الوجود که خالق و وحدانیت اوست، و ممتنعات که امکانش متصور نیست و این قسمت سوم شامل نبوت و معجزات هم میباشد که هدفشان رهائی جان و نیل

بعالم باقی است. نظرات «ریبا» درباره ماهیت پروردگار، درجات نبوت، مقام شامخ و استعداد پیامبری موشه ربنو بعنوان نخستین و بزرگترین پیامبر، مفاد غیر قابل تغییر تورات و تعبیر و تفسیر بعضی قسمتهای مشکل تورات بکمک تورات شفاهی - و زوهر (قبالا) و چگونگی رستاخیز مردگان و ظهور ماشیح (مهدی موعود) پاسخگوئی محتاطانه به پیروان سایر مذاهب و از همه مهمتر لزوم تحصیل استفاضه و نیل تدریجی بدرجات عالیتر معرفت الهی، مطالبی هستند که «ریبا» را بعنوان بزرگترین شخصیت علمی، فلسفی و مذهبی جامعه یهودیان ایران معرفی میکنند.

ما مطالعه و استفاده از این کتاب جالب و ارزنده را که جدا مانند عطر گلاب طبیعی و بینظیر قمصر کاشان فضای دانش و فرهنگ جامعه یهودیان ایران و جهان را به بهترین وجهی معطر ساخته توصیه میکنیم. باید انتظار و آرزو داشت که جناب پروفیسور نتصر و یا انجمن مرکزی ایرانی تباران یهود در اسرائیل این کتاب ارزنده و جالب پروفیسور نتصر را در جزوه ای مختصر تر و بزبان ساده تر برای استفاده عموم افراد جامعه ما تهیه و منتشر سازند. جا دارد همه یهودیان ایران و بویژه یهودیان کاشان و فرزندانشان از این اقدام بزرگ و بیسابقه پروفیسور نتصر ستایش نموده و امیدوار باشند در آینده از ثمرات دیگر پژوهشهای دانشمندانه و عمیق ایشان و همکارانشان بیش از پیش بهره مند گردند.

All Pro-Video Photo

فتو.ما

با کادری ورزیده و وسایل مدرن خود با عکسبرداری و فیلمبرداری (ویدئو) از مجالس و جشن های خانوادگی شما، خاطرات شما را جاودانه خواهند ساخت

• عکسبرداری و فیلمبرداری (ویدئو) از جشن ها و کنسرت ها (بایک، دو یا سه دوربین)

• تهیه عکس های خانوادگی و کودکان

• تبدیل فیلم های ۸ میلیمتری (8 mm) اسلاید و عکس به ویدئو و تمام سیستم های دیگر جهان.

1281 Westwood Boulevard

(310) 477 - 7576

آلبرت طیبیان

کیتترینگ کاشر بهادر



اعتبار کیتترینگ های لوسی آنجلس
اورنج کانتی - سان دیاکو

محفل و شبهای پر خاطره خود را با غذاهای خوشمزه بهادر گرم سازید.
بهادر کیتترینگ پر سابقه لوس آنجلس با ارائه سرویس برتر و کیفیت بهتر
همیشه آماده است از مهمانان عزیز شما پذیرائی کند



سیستم گلات کاشر کیتترینگ بهادر
زیر نظر مستقیم ربای
Rabbi Yehuda Bukspan
میباشد



تلفن: ۷۱۳۵ - ۶۰۹ (۸۱۸)

18750 Oxnard St., # 415 • Tarzana, CA 91356

ترازوی غلط



تلالو میکند. (البته این یک قضاوت سطحی از جهان پیرامون است چرا که عدل و عدالت الهی را نمی‌شود با منطق انسانی سنجید. منطق انسانی در اصل یک مشت اطلاعات و داده‌های دست دوم است که قادر به اندازه‌گیری عدالت الهی نیست).

اما حالا اگر ما براساس همین منطق ناقص فرض کنیم در گستره طبیعت عدالتی گسترده نیست بالطبع ما هم بعنوان پرورده دست طبیعت حامل و وارث عدالت نمیتوانیم باشیم و در همه حال میان هموعانمان فرق می‌گذاریم. یا کسی را کمتر از دیگری و دیگری را کمتر از خود و یا بالاتر از دیگری می‌دانیم و مردم را نمیتوانیم به یک چشم

داشتم با خودم به طبیعت فکر می‌کردم. به اینکه آیا عدل و عدالتی در طبیعت وجود دارد؟ آیا راستی باد یکسان بر همه می‌وزد یا خورشید یکسان بر همه می‌تابد و گرما می‌دهد؟ چگونه است طفلی از شکم مادر بی دست و پا و یا محروم از قوه بینائی زاده می‌شود و از لذت دیدار برای همه عمر محروم می‌ماند و طفل دیگری با سلامتی کامل چشم به جهان می‌گشاید؟ چگونه است که در گوشه‌ای از دنیا طفلان دردمند با چه فلاکتی بر زمین خشک و شکاف خورده چنگ می‌اندازند و برای ریزش قطره‌ای باران چشم به آسمان دوخته‌اند و در گوشه‌ای دیگر بازتاب رفاه و آسایش و سبزی و خرمی در مردمک چشم کودکان

نگاه کنیم. در اغلب مواقع هم ساده ترین و پسندیده ترین راه سنجش دیگران را درم و دینار می دانیم و مردم را با مقدار پولشان طبقه بندی می کنیم که اینگونه سنجشها اگرچه سکه رایج این اجتماع شده اما بالاخره روزی کار دستان خواهد داد. مثلاً به عنوان تازه وارد به جمعی که می رسیم از گرد پا نیافتاده خیلی مودبانه سؤال پیچ ات می کنند که راستی شما اهل کدام ایل و تبارید؟ ناامید می شوند اگر نام ایل و تبارمان به هیچگونه «یان» یا «زاد» یا «پور» ختم نشود. در نتیجه اهمیتی بتو نمی دهند. بعد ادیبانه تر می پرسند راستی راه خانه تان کجاست کجا خانه دارید؟ فرض اگر جواب دهیم خانه ای یا چه میدانم پستونی در خیابان «پالم» داریم. پرسش بعدی حتماً اینستکه پالم شمالی یا جنوبی؟ خوب میدانید بالاخره آنان حق خود میدانند قطب ما را بیابند و در طبقه ای جایمان دهند و مطمئن شوند تا چه میزان قابلیت معاشرت با آنان را داریم و یا آیا دو تکه بیشتر و کمتر از آنان فرش داریم یا مانند آنان حجم فکریمان به اندازه نگین انگشتری است یا نه و چه بهتر که خیال همه را راحت کنیم که دو تکه فرش که سهل است بهتر آنکه دو بیت شعر و معنا بدانیم اهل هیچ کجا نباشیم جز زمین و آرزو کنیم شکل و شمایل و خلقیاتمان هم به آدمیت نزدیک باشد چرا که هیچکس با داشتن دو تکه فرش بیشتر و زمین بیشتر و مبل و تیر و تخت بیشتر خوشحال تر و خوشبخت تر از دیگران نبوده است. در افسانه آمده که دو نفر با هم بر سر زمینی دعوا داشتند. رفتند پیش حضرت موسی که داوری کند. اولی گفت: این زمین من است. دومی گفت: نه این زمین من است. حضرت موسی هر دو را به گوشه ای نشاند خودش گوشش را بر زمین گذاشت و گفت حالا میخواهم بینم خود زمین چه می گوید - زمین می گوید: این زمین نه مال این است و نه مال او. هر دوی اینها مال زمین هستند.

وقتی فکر می کنی به این بن بست می رسی که راستی اینهمه مال من و مال تو و اینهمه طبقه بندی و رده بندی از کجا آمده؟ چه

چیزی را میشود به عنوان میزان و شاخص شناخت؟ آن عده که زیباتر زاده می شوند خوب طبعاً چشمگیرند و توجه دیگران را به خود جلب می کنند - آن عده هم که از هوش بسیار برخوردارند و بالاخره کشفیاتی داشته اند باز مورد توجه جامعه هستند اینها همه قبول - اما آناتی که با داشتن پول فراوان می خواهند کسب احترام و کسب شخصیت کنند یکطوری رفتارشان بدل مردم نمی چسبد. تعظیم کردن در مقابل پول آنچنان هم جذاب نیست - میشود مجذوب عقل و درایت و خرد و اندیشه شد. اما دلباخته کیسه های درم شدن دلچسب نیست. البته اگر غیبت نگفته باشم آنچه در انشای مدرسه واضح و مبرهن بود و خلافتش در اینجا صادق است اینکه ثروت بسیار مهمتر از علم آمد پدید چرا که با ثروت می شود صاحب نام، صاحب جاه و خلاصه صاحب همه چیز شد از جمله همان علم. اصلاً خیالتان را راحت کنم با ثروت می شود فیثاغورث شد - می شود به کره ماه رفت زیره را بسته بندی کرد به کرمان برد و دو برابر فروخت - با پول می شود ابوعطا نواخت، شاعر شد و غزل و قصیده سرود خلاصه همه چیز. اما آنچه واضح و مبرهن تر است اینکه اصرار در اثبات آنچه نداریم و نیستیم نورزیم و نخواهیم بهر قیمتی شده خودمان را به شکل و رنگ و بوی ثروتمندان در آوریم. این تلاش خودش یکنوع تقلب است و متقلب بودن مانند پایه لقی یک صندلیست که خواه ناخواه روزی آنکه رویش نشسته را بر زمین خواهد زد.

در اول از آنچه فرض کردیم در طبیعت نیست گفتم و حالا از آنچه که هست یعنی تعادل میخواهم بگویم. بهر جا نگاه کنیم در وجهه طبیعت تعادل هویدا است. تعادل با عدالت متفاوت است. یعنی شب هست روز هست - تاریکی، روشنایی - بدی، خوبی - سلامتی، بیماری - سرما، گرما - تابستان، زمستان - بهار، پائیز - زیبایی، زشتی - بلندی، کوتاهی - اینها ارث و میراث طبیعتند لیک برای اندازه گیری این عوامل ابزار و آلانی بخودی خود از آسمان نیافتاده و انسان در جهت اندازه گیری

میزان تعادل در طبیعت با تولید ابزار غلط تعادل را در واقع بسوی بی تعادلی سوق داده. از روز ازل که در طبیعت ارقام و عددی وجود نداشته - تعدد وجود داشته یعنی با قرار گرفتن ستاره های آسمان کنار همدیگر و یا توالی چند درخت در کنار هم تعدد معنی و مفهوم پیدا می کرده اما ارقام ساخته و پرداخته ذهن انسانهاست و طبیعت در این امر سهم و دخالتی نداشته. همان سومریها و آرامیها اعداد را برای اندازه گیری وضع کردند یک و دو و سه و چهار را ساختند در آخر هم با کشف بزرگ و اختراع بزرگ خودشان یعنی «صفر» چه بی رحمانه سرنوشت بشر را تغییر داده او را به مخصوصه رقابت من و توئی پرتاب کردند.

فی الواقع تکلیف ما معلوم نیست که گناه را باید برگردن انسان بگذاریم و یا بر گردن صفرها که این چنین ما را در برزخی گذاشتند که نه حاضریم صفر بمانیم و نه می توانیم تعادلی در تعدادش برقرار کنیم. راستی اگر اعداد وضع نشده بودند به احتمال قریب به یقین نحوه رویارویی ما با دیگران متفاوت میشد و کسی ما را با صفرهای حساب بانکی مان قضاوت نمی کرد - اما از آنجا که اعداد این چنین زاده شدند تا قانع نمانند بجای آنکه ضریب هم نوع خود شوند و بخود بیچند و جفت خود شده و همواره یک بمانند، پایشان را از گلیم خود درازتر کرده یک مُداما «ضریب اعداد غیر از خود مانند دو و چهار و شش و هشت شد و در صحنه های واپسین صفر آمد جای خوش کرد و کنار اعداد نشست و هی زاد و ولد کرد و کار بشر را به وخامت کشاند. اگر از همان اول عدد یک حد و حدودش را دانسته و زیاده خواهی نکرده بود دنیا بی شک قشنگتر مینمود و چون:

یکی باشد هم نبود دونی

نه منی برمیخزد و نه توئی

مضافاً براین آنانی که اعداد را وضع کردند آمدند گفتند برخی اعداد از اعداد دیگر بالاتر و برترند. یعنی دو بطور حتم باید بعد از یک و سه حتماً قبل از چهار و پنج بعد از چهار قرار گیرد.

برخی اعداد هم از دیگران زیاتر و مقبولترند مانند اعداد دو و چهار و شش و هشت که زوجند و قابلیت تقسیم دارند. اما یک و سه و پنج و هفت و یازده به هیچ عددی قابل تقسیم نیستند. بعد آمدند از عدد دوازده که بعد از یازده میآید بتی ساختند و چه سیمای مطلوبی برایش تراشیدند، قابلیت تقسیم که هیچ، از شگون این عدد ۱۲ ماه آمد پدید، ۱۲ قبیله داریم ما یهودیان و ۱۲ امام دارند مسلمانان. ساعت ۱۲ قسمت شد و بقیه و بقیه. اما سیزده را که پس دوازده گذاشته بودند گفتند زیبا نیست زیرا قابلیت تقسیم ندارد و بهیچ چیز بخش نمی شود پس از این بابت نحس است. البته خودمانیم عدد سیزده هم تقدیر از پیش ساخته خود را بجان خرید و همان سیزده نحس در طول تاریخ باقی ماند و هیچ تلاشی برای رهائی از این ننگ و از این سرنوشت تغییر ناپذیر انجام نداد. شاید اگر توش و توانی بخرج داده بود میتوانست قابلیت تقسیم را به زور هم که شده بگیرد. راستی اگر تقسیم شدن این قدر خوب و مطلوب است چرا ما انسانها حاضر نیستیم اعدادمان را با هم تقسیم کنیم و دائم الاوقات در حال تقسیم صفر هستیم؟ بله ... بعدها رفته رفته اعداد دیگر مانند هفت و یا دو رقمی ها مانند ۲۰ و ۳۶ و دیگران حق خودشان را گرفتند و عزیز شدند و بر صدر نشستند و اعتقاداتی هست درباره نظم جهان که در هفت روز بنای دنیا گذاشته شده یا هفت شهر عشق و هفت آسمان و هفت بیابان و خلاصه اعداد هر کدام به تنهایی قدرت و کیفیت خود را یافتند و بدون اینکه نخ بردارند و ما را بهم بدوزند بشر به اعداد دوخته شد. در نتیجه در جامعه پول پسندی مانند لوس آنجلس قضاوت درباره دیگران محدود شد به صفرهای حساب بانکی و پول حکم ترازویی غلط را یافت تا ترا از او بیشتر یا کمتر جلوه دهد. اینجا بود که با طرح و خلق دیوارهایی از قبیل دیوار کد ۳۶۰ یا ۸۱۸ - دیوار بورلی هیلز و ولی - دیوار اتومبیل بنز و تویوتا - دیوار جواهرات - دیوار زشت و زیبا - دیوار چاق و لاغر، شرایطی برای خود آفریدیم و تمامی این دیوارها روز بروز ضخیم تر و

بلندتر شد و در نتیجه بجای بهم نزدیک شدن از هم دور ماندیم.

وقتی از هم دور شدیم دیگر زبان همدیگر را کم کم نمی فهمیم یعنی دیگر قادر به عبور از هم نیستیم. سینه هایمان تبدیل به کوه صعب و سختی می شود که کسی را در آن راه نیست. بعد میانمان اختلاف می افتد در اثر این اختلافات اعصابمان بهم می ریزد - زردتر و رنجورتر می شویم - پریشان حال می شویم. در نتیجه بهمدیگر غیض می ورزیم چرا که دیوار همسایه آنچنان بلند و آنچنان صعب العبور است که من نمی توانم مثل او باشم. دیوار من به بلندی دیوار او نیست و چون من نمی توانم مانند او باشم پس او یا نباید باشد و یا اگر هست من به او غیض دارم کینه و خشم می ورزم زیرا من بعنوان ذره ای از طبیعت حامل و ناقل تعادلیم. تعادل بایستی عادت و پیشه من باشد. تعادل بایستی در رگهای من روان باشد تا بتوانم به روحی سالم و متعادل دست یابم.

راستش را بگویم جهان به این روال نمی تواند بماند اینگونه غریزی و اینگونه حیوانی. یعنی جوامع فی الواقع در وسع و بضاعتشان نیست اینچنین بمانند. روزی بالاخره در جانی همه ما ناچار به یک عقب گرد ۱۸۰ درجه ای خواهیم شد با شعاعی بلند بطرف آنچه روح انسان را میآرمد و صیقل می دهد. بطرف ذات انسان بودن و انسانی شدن، عقب گردی بسوی تعادل و یکی انگاشتن تا بدانجا که ندانم من تویی یا تو منی و محو گشتم در تو و گمشد تویی.

ما ناچاریم پوست بیاندازیم و در عین حال مقداری اعداد و ارقام را از ارزش مادی اش ساقط سازیم. ناچاریم پرچم معنویت را بر بام دل هایمان علم کنیم و برای آنکه به یک برسیم صفر شویم تا صفر نشویم یک نخواهیم شد. کسی داشت می گفت: «من از حکیم بالاترم، از او هم بالاترم، از ایشان هم بالاترم، از خدا هم بالاترم». گفت: «چه می گویی از خدا که بالاتر نیست؟» گفت: «آری من همان نیستم».

ژرژ حلیمی

وکیل رسمی دادگاههای فدرال آمریکا و کالیفرنیا

دکترای حقوق و فوق لیسانس اقتصاد از آمریکا

املاک:	تجارت:
امور خرید و فروش املاک	قرارداد و دعاوی تجارتي
امور مالک و مستاجر	امور خرید و فروش مشاغل
امور وام و بیمه املاک	تشکیل و ثبت شرکتها

با همکاری وکلای متخصص در امور ورشکستگی، طلاق، جنایی و تصادفات

1888 Century Park East,
Suite 2100
Los Angeles, CA 90067.

مشاوره اولیه رایگان

(310) 888-8013

دکتر بیژن دانشگر

جراح و متخصص بیماری های زنان، زایمان و نازایی
دارای برد تخصصی از آمریکا - عضو کالج جراحان زنان و زایمان

Bijan Daneshgar, M.D. - F.A.C.O.G.
Obstetrics, Gynecology & Infertility



- * Obstetrics Care
- * Infertility
- * Contraception Counseling
- * Determining Baby's Sex Before Birth
- * Artificial Insemination
- * Ultra Sound and Fetal Monitor
- * Tubal Ligation
- * Papsmear and Cancer Screening
- * Vaginoplasty and Hymenorrhaphy
- * Menopause and Hormonal Imbalance
- * Laser, cryo and Hot Cautery

مطب در دو منطقه بورلی هیلز و انسینو

250 N. Robertson, Suite 506
Beverly Hills, CA 90211
(310) 246-9000

16661 Ventura Blvd., Suite 611
Encino, CA 91436
(818) 905-6111

بیمارستان های وابسته

Ceder Sinai, Northridge, Tarzana and Valley Presbyterian

مامایی و زایمان بدون درد

نازایی

جلوگیری از حاملگی

تعیین جنسیت نوزاد قبل از تولد

تلقیح مصنوعی

التراسوند و مانیتور جنین

بستن لوله های رحم

چک آپ سالیانه زنان

جراحی پلاستیک زنان

یانسگی و اختلالات هورمونی

جراحی زنان با اشعه لیزر و برق

تقویم عبری با تلفیق سال قمری و شمسی

تقویم عبری با وجود اینکه براساس سال قمری تنظیم شده معهذاً متفکرین و ریاضی دانان یهود قرن‌ها پیش موفق شده اند با حساب های بسیار دقیق تقویم عبری را با تقویم شمسی تطبیق دهند و حتی روزهای معینی را برای اعیاد مذهبی در نظر بگیرند که با دستورات مذهبی رعایت اصول شبات مغایرتی نداشته باشد. در این مقاله اختلاف محاسبه سال قمری و شمسی و امکان تشخیص تاریخ چندم هر ماه قمری از طریق نظاره کره ماه تشریح گردیده است.

دورانی زمین بیش از ۲۹ برابر گردش زاویه ماه بدور زمین است. زمین بسرعت از برابر ما میگذرد و ظاهراً بنظر میآید ماه بطرف مغرب حرکت کرده و در افق ناپدید شده است. پس از بیست و چهار ساعت دیگر که همان نقطه زمین برابر ماه قرار گیرد، ماه در این مدت در مسیر دورانی خود بدور زمین دو برابر عصر روز قبل از افق بالاتر ظاهر میشود و شب دوم ماه قمری است. بدین طریق هر شب بعد ماه بیشتر از افق غرب بالاتر ظاهر میشود تا غروب روز هفتم که قمر موقع عصر در وسط آسمان ظاهر شده و نصف دایره مسطح (یک چهارم حجمی) آن در آسمان دیده شده و آنرا تربیع اول گویند. پس از شب هفتم قمر بتدریج هر شب سطح روشن آن از نصف بیشتر و بیشتر میشود و اول شب بافق مشرق نزدیکتر شده تا شب چهارده موقع غروب آفتاب کره ماه تمام قرص روشن در افق مشرق نمایان و تمام شب تا سحر در آسمان نورافشانی میکند و شب بدر گویند.

مشخصات شب اول تا شب چهارده: کره ماه از هلال تا بدر از نور خورشید سمت مغرب متور است و قوس برجسته نورانی قمر بسمت مغرب میباشد. اگر از نصف دایره کوچکتر است بین یکم

کره ماه قمر زمین است که بواسطه قوه ثقل زمین بدور زمین میگردد. هر دور کامل گردش کره ماه بدور زمین یکماه قمری است هر ماه قمری ۲۹/۵۳ شبانه روز است.

کره ماه از سمت مغرب بطرف مشرق بدور زمین میگردد. زمین نیز از سمت مغرب بطرف مشرق بدور خود میگردد. کره ماه ضمن دوران بدور زمین بدور خود هم میچرخد. مدت این چرخیدن یک ماه قمری طول میکشد. بدین ترتیب همیشه یک سمت ماه بطرف زمین نمایان است.

چون کره ماه از خود نور و روشنائی ندارد تابش نور خورشید را منعکس میکند. همین امر باعث شده که کره ماه ضمن گردش بدور زمین اشکال مختلفی را نشان دهد که معرف شبهای مختلف ماه قمری است. شکل ۱ وقتی کره ماه بین زمین و خورشید قرار گیرد سمت درخشان آن بطرف خورشید است و از زمین روشنی ماه دیده نمیشود که آنرا محاق گویند و آخرین شب ماه گذشته و شروع ماه نو میباشد. پس از بیست و چهار ساعت ماه نو بصورت هلال نمایان شده و اول ماه نو محسوب میشود و در مدتی کمتر از یکساعت هلال ماه از افق غرب ناپدید میشود چون سرعت زاویه ای گردش

تا هفتم ماه و اگر از نصف دایره بزرگتر است بین هفت تا چهارده ماه مشخص میشود. اول غروب آفتاب از فاصله اوج کره ماه از افق (با توجه شکل ۱) میتوانند از یکم تا چهاردهم را تشخیص و تعیین نمایند. شکل ۲ از چهاردهم ماه به بعد کره ماه از سمت مشرق شبها بتدریج با تأخیر بیشتر نمایان میشود. برای اینکه بتوانیم نصف دوم ماه را تماماً در بالای افق در یک جدول نشان دهیم مطالعه تغییرات قمر را به سحر قبل از طلوع خورشید منتقل میکنیم.

همانطوریکه در شکل ۲ مشاهده میشود سحرگاه روز پانزدهم کره ماه قبل از طلوع آفتاب در افق مغرب واقع شده و با حرکت دورانی زمین کره ماه در افق غرب ناپدید میشود و صبح سحر روز شانزدهم کره ماه پس از مرئی بودن تمام شب در افق مغرب بالای افق واقع است و هر ۲۴ ساعت که میگذرد قمر موقع سحر سطح آن کوچکتر و بالاتر از افق است تا شب ۲۱ سحرگاه ۲۲ کره ماه نیمدایره روشن بالای سرما ظاهر است و آنرا تربیع دوم گویند و پس از آن هر شب مقدار سطح روشن ماه از نصف دایره کوچکتر و کوچکتر شده تا سحر روز بیست و هشتم بصورت هلال نزدیک افق مشرق دیده میشود. در تمام شبهای ۱۵ تا ۲۸ قوس برجسته روشن ماه بطرف مشرق است برعکس یکم تا چهاردهم که بسمت مغرب بوده و بدین ترتیب هرگاه قوس برجسته روشن ماه بطرف مشرق باشد دوره از ۱۵ تا ۲۸ ماه است و اگر قرص ماه از نصف دایره

بزرگتر بود بین ۱۵ تا ۲۱ و بعد از آن از ۲۱ بتدریج قسمت روشن ماه از نصف کمتر شده تا بصورت هلال ۲۸ نمایان میشود.

توضیح: در دو جدول فوق ۲۸ شبانه روز رویت ماه را شرح داده ایم که با یک شب محاق (تاریکی مطلق ماه) ۲۹ شبانه روز میشود در صورتیکه یک ماه قمری ۲۹/۵۳ شبانه روز است که بطور تقریب تکلیف ۱۲ ساعت موقعیت ماه نامعلوم است. این مسئله در ماه دوم با دو ۱۲ ساعت ۲۴ ساعت یک شبانه روز است که ماه دوم سی روزه میشود و یک شب هلال اضافی ظاهر میگردد که در تقویم یهود سابقاً ماه دوم دارای دو اول ماه محسوب مینمودند ولی امروزه یک ماه ۲۹ و یک ماه ۳۰ روزه حساب میشود.

تقویم ماه قمری در قدیم در مصر و کلدیه مورد استعمال داشته ولی امروزه فقط یهودیان و اعراب مورد استفاده قرار میدهند و در دنیای امروز تقویم سال شمسی معمول است. یکسال قمری که ۱۲ ماه قمری است ۳۵۴/۳۶ شبانه روز است با مقایسه با یکسال شمسی ۳۶۵/۲۴ شبانه روز بنابراین هر سال قمری سالیانه قریب یازده روز از سال شمسی عقب میماند! فقط یهودیان با ابتکار عالم مذهبی و نجومی خود هیلل از بیش از شانزده قرن قبل سالهای سوم و ششم و هشتم و یازدهم و چهاردهم و هفدهم و نوزدهم را سیزده ماهه حساب نمودند و در آخر سال نوزدهم سال قمری و شمسی بر هم منطبق میشوند و مجدداً این طرز محاسبه تکرار میشود.

کتابهای:

اشک خدا * قلب گریان * سپیدوسیا * بسوی قربانگاه

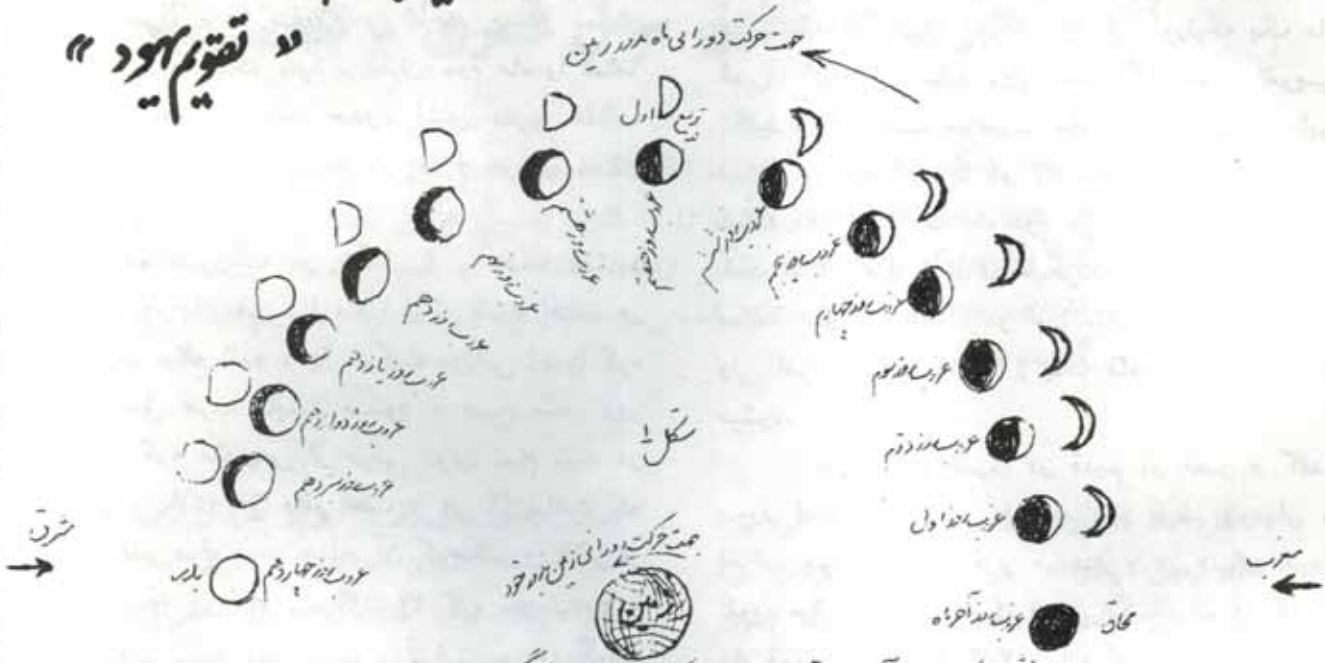
نوشته: نوراله خرازی (نوری) - حاوی داستانهای کوتاه

از شرکت کتاب و کتابفروشی نسترن در وست وود بخواهید

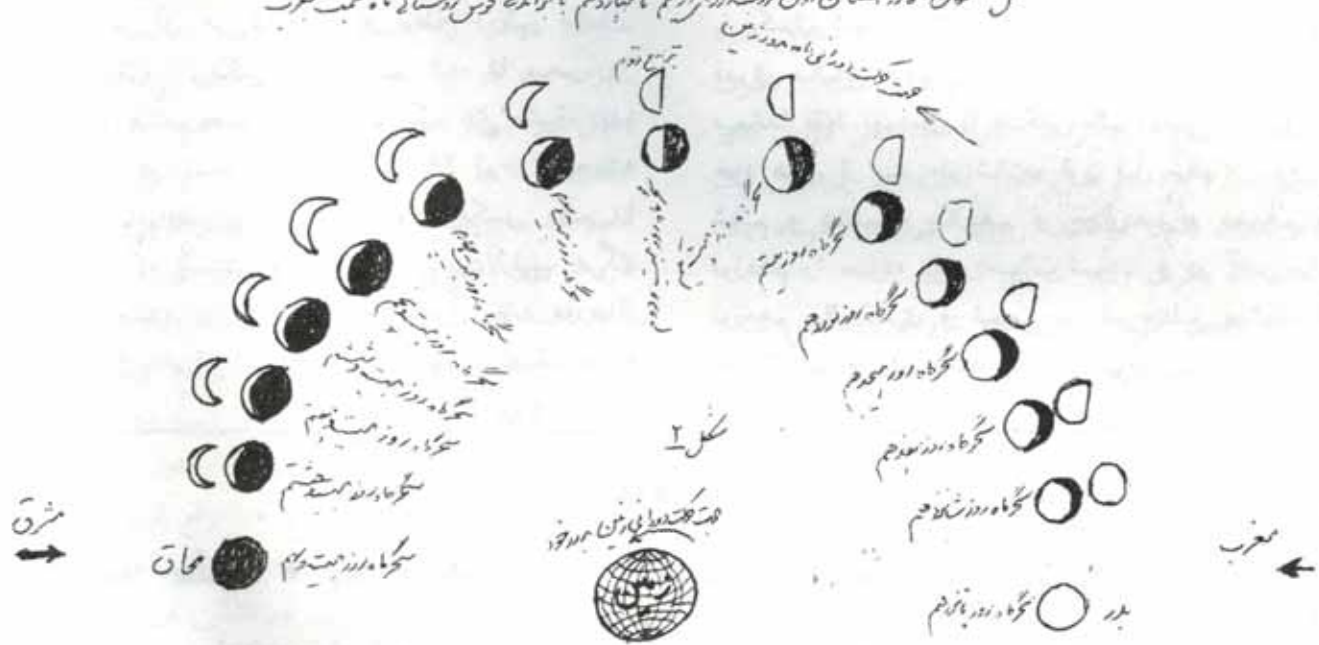
از انتشارات بنی بریت: گروه فریبز مطلوب - تلفن: ۹۶۶۵ - ۶۵۹ (۳۱۰)

شبهه ماه در آسمان نگاه کنید و بگوئید چندم ماه قمری است

« تقویم پیود »



شکل ۱ مکان ماه در آسمان اول عرصه روز از یک تا چهارم با برآمدن قوس در نشان ماه نسبت به شرق



شکل ۲ مکان ماه در آسمان گویا روزهای از پنجم تا بیست و نهم قبل از طلوع خناب با برآمدن قوس در نشان ماه نسبت شرق

تقسیم و ترسیم : ناصر ماسی

کیتترینگ گلت کاشر جک بروخیم رویال کیتترینگ

Royal Catering (Glatt Kosher)
By Jack Berookhim
زیر نظر مستقیم آر. سی. سی. (R.C.C.)



برگزار کننده جشنهای شما

در هتلهای لوس آنجلس و مکان های مورد نظر شما

با مجلل ترین و بالاترین کیفیت و سروس.

برای پیدا کردن سالن به شما یاری می دهیم.

۹۹۹۳-۴۵۸-۳۱۰

(310) 458 - 9993

کیتترینگ انحصاری مجتمع فرهنگی ارتص (ولی)

واقع در خیابان ویلبر

مراسم بزرگداشت برای یک بانوی ایرانی

هر ساله از سوی SINAI TEMPLE و JEWISH FEDERATION REGIONAL MENS CLUB مشترکاً جشنی بخاطر بزرگداشت دو تن از فعال ترین اعضا خود بنام BURNING BUSH AWARD برگزار میگردد. امسال یکی از انتخاب شدگان این بزرگداشت سرکار خانم ثریا مسجدی نظریان همسر آقای ایزک نظریان می باشند.

این بانوی جوان ایرانی پس از مهاجرت به امریکا به ساینای تمپل ملحق شد و هر سه فرزند ایشان تحصیلات عبری کامل خود را در این موسسه فرا گرفته اند. ثریا فرزند سرکار خانم پروین و مرحوم یوسف مسجدی می باشد که در امور خیریه راه پدر را پیش گرفته اند. ایشان منشاء خدمات فوق العاده ای در کنیسا، مدارس روزانه و کلاسهای عصرانه عبری این مجموعه بوده اند و از چندین سال پیش عضو هئیت مدیره و از سال ۱۹۹۱ به عضویت هئیت عالی مدیره ارتقاء یافته اند.

علاوه بر موارد فوق، ایشان خدمات فوق العاده ارزنده ای در سازمان حداسای بورلی هیلز انجام داده و در این سازمان به مقام معاونت کل آموزشی بخش های بورلی هیلز و کالیفرنای جنوبی انتخاب شده اند. ما با افتخار موفقیت های شایان این بانوی جوان ایرانی را که همواره سعی کرده اند مانند پلی برای اتحاد و آشنائی و دوستی بین جامعه امریکائی و ایرانی باشند، تبریک گفته و امیدواریم یهودیان ایرانی با شرکت در این جشن بزرگداشت موجبات تشویق ایشان را فراهم نمایند.

زمان: یکشنبه ۲۴ مارچ ۱۹۹۶ ساعت ۶/۳۰ بعدازظهر مکان ساینای تمپل - بهای بلیط ۷۵ دلار برای هر نفر. لطفاً برای دریافت دعوتنامه به ساینای تمپل با شماره تلفن ۱۵۱۸ - ۲۷۴ (۳۱۰) یا خانم نسرین رشتی تلفن: ۰۷۶۰ - ۲۰۵ (۳۱۰) تماس بگیرید.

سایه فیلم

منصور پور اتحاد

انجام کلیه کارهای عکاسی و ویدیو

شماره ۳۵۱ رابرتسون جنوبی - بورلی هیلز تلفن: ۳۳۳۳ - ۶۵۲ (۳۱۰)

سایه فیلم نکاتیوهای را که از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ عکسبرداری نموده است

با شرایطی به صاحبانشان تحویل می دهد



خاک خوب خدا

سیری در سرگذشت سرزمین اسرائیل

دکتر بهوشنگ ابرامی

۹ - نبرد فرهنگی یونانیان با یهودیان

که فاتح و ارباب است و دیگران اسیر و برده و زیر دست و خراجگذار او؟ و یونانیان به فرماندهی اسکندر چنین کردند و از سامانهائی که بسال ۳۳۲ پیش از میلاد با آنها رو در رو قرار گرفتند یکی «یهودیه» بود.

یهودیه از زمان کورش تا آن هنگام همچنان جزء «متصرفات» ایران مانده بود و از چند دهه پیش تا بدان ایام روزگاری را می گذراند که چگونگی آن در ابهام مانده است. اسکندر مانند دیگر سرداران و فاتحانی که خیال حمله به مصر را داشتند ناگزیر بود از یهودیه بگذرد. این سرزمین گذرگاهی برای دست یابی به مصر بود، چون او و سپاهش بدان دیار رسیدند مقابله ای جدی در نگرفت و کشور یهودیه در اندک زمانی پرچم تسلیم برافراشت. در روایات آمده است که در دروازه اورشلیم چون کاهن بزرگ در برابر اسکندر ایستاد او که با جامه سربازی بر اسب سوار بود، پیاده شد و به کاهن یهودیان احترام گزارد.

از این زمان در سرنوشت خاک خدا فصلی نوین آغاز شد و این خاک جزء قلمرو امپراطوری یونان باستان قرار گرفت. در سالهای نخست زور و ظلم و جور و ستمی بر «بنی اسرائیل» نمیرفت.

تاریخ زندگی آدمیان سرشار از شگفتی هاست. ملتی که قوم یهود را از چنگ بابلیان رهانید تا به سرزمین نیاکانشان بازگردد و معبد به آتش سوخته و خاکستر شده خود را از نو بسازد اینک شاهد آتش گرفتن تخت جمشید، شکوهمندترین بنای ملی خویش است. اسکندر مقدونی، سردار سلحشور یونان، به همراه قشون عظیمش از مقدونیه تا پاسارگاد، سرزمینهای بسیاری را در نوردیده و در رزمگاههای بیشماری جنگیده و خون ریخته و کشورهای کوچک و بزرگی را بزیر سلطه در آورده تا خود را بدین نقطه رسانیده.

اکنون نوبت یونانیان است که «امپراطوری» خود را بپا کنند. مگر آنها از مصریان و کلدانیان و آشوریان و مادها و پارسیها چه کم دارند؟ یونان معدن علم و فلسفه و ریاضیات و حکمت و سیاست و «خدایان» است و در ورزشگاههایش جوانانی برومند و دلیر پرورش می یابند. معلم اسکندر، شاهزاده مقدونی، در کودکی ارسطوی حکیم بوده است و ارسطو شاگرد افلاطون و افلاطون شاگرد پدر فلسفه دنیا سقراط. آیا برای چنین ملتی شرم آور نیست که همپای دیگر ملت‌های بزرگ آنزمان، بی هیچ دلیل و سبب قابل پذیرشی، به کشورهای دیگر نتازد و آنها را تار و مار نکند و خون نریزد و گردن نیفزاید

آنان در دین و آدابشان آزاد بودند و حتی تا چند گاهی نشانی از فرمانروای یونانی نبود. راب اعظم یا کاهن بزرگ به همراه شورائی از پیشوایان مذهبی حکومت را در دست داشتند. اما همینکه پس از دهسال جنگ و پیروزی، اسکندر به بیماری مالاریا در بابل جان باخت ورق برگشت چرا که جانشینان وی، راه دیگری را نسبت به ممالک مغلوب برگزیدند. امپراطوری عظیم وی بین چند تن از سردارانش تقسیم شد و مصر و سوریه و فنیقیه و سرزمین یهودیان بدست بطليموس سرسلسله بطليموسیان سپرده شد که سیصد سال در مصر فرمانروائی کردند. حکومت ایران و چند اقلیم دیگر نصیب سلوکوس سردار دیگر اسکندر گردید که پایه گذار سلسله سلوکیان شد. جالب است که با گذشت سالیانی دراز بین دو سلسله یونانی کینه و دشمنی در گرفت و جنگهایی آغاز شد و سرانجام قریب یکصد و سی سال پس از مرگ اسکندر، ارض موعود از دست بطليموسیان رها و بدست سلوکیان افتاد و بدینسان باز حکومت ایران و یهودیه به زیر یک پرچم در آمد؛ منتهی پرچم بیگانه، پرچم سلوکیان یونانی.

از نخستین دهه هائی که خاک خوب در دست یونانیان بود چیزی چندان نمیدانیم. تنها بعدهاست که تاریخنویسان یهودی برای بازشناسی این دوره همانند آخرین دهه هائی که ارض مقدس جزء شاهنشاهی ایران بود به کندوکاو می پردازند و برای یافتن حقایق تاریخی با ناامیدی روبرو میشوند. آنچه میدانیم، بنا بگفته «یوسفوس» مورخ نامی و مؤلف «روزگار باستانی یهودیان» اخذ باج و جزیه و مالیاتهای گوناگون از یهودیان است که به خزانه یونان سرازیر میشد.

از نظر اجتماعی نیز آنچه جسته گریخته در دنیای ابهام انگیز نخستین قرن حکومت یونانیان برخاک خوب پیداست وجود اقلیتهای گوناگون غیریهودی در کشور یهودیه و نیز وجود اقلیت کوچک یهودی در کشور پیشین اسرائیل است، و این امر بسبب جنگهای پیاپی در این سامان و تحرک جوامع گوناگون و همچنین سیاست و روشی است که

حاکمان گذشته از آن پیروی می کردند. یعنی چون گروهی را به نام اسیر از سرزمینی به سرزمین دیگر می بردند گروه دیگری را به جایش به سرزمین اولین می آوردند تا بر اثر اختلاط و در هم آمیختگی افراد مختلف احتمال انتقامجویی از تجاوزگران به کمترین میزان برسد. به عنوان مثال هنگامی که سلوکیان سپاه بطليموسیان را در ارض مقدس شکست دادند و اورشلیم که صحنه کارزار بود خساراتی بسیار دید و خرابیهای فراوان در آن ببار آمد، فاتحان به جابجائی یهودیان پرداختند و گروهی را به کردستان که منطقه زیر نفوذ خود سلوکیان بود کوچ دادند. چنین وضع و حالی در سرزمینی که در پیش پایتختش سامره بود در حد کمال انجام گرفته بود و کمابیش نیز در یهودیه وجود داشت. بدین معنی که همگی ساکنان یهودیه از افراد بنی اسرائیل نبودند و در میانشان اقوامی بودند که فرهنگی منحط و رسومی ناشایست داشتند. چنانکه در همین سالهایی که یونانیان بر این سامان چیره شده بودند از نامه های محرمانه «زنون Zenon» به پادشاه مصر می خوانیم که خرید و فروش بردگان، بویژه برده داری دختران جوان برای روسپیگری و اعزام آنان به ممالک همجوار معمول بوده است (۱) که احتمالاً بابلیان یا فنیقی هائیکه در یهودیه سکنی داشتند به چنین اعمالی دست میزدند.

از آغاز چیرگی سلوکیان برخاک خوبست که جنگ بین دو فرهنگ یونانی و یهودی که زمینه اش در سالهای گذشته فراهم شده بود آغاز میشود. فرهنگ یونانی، فرهنگ سست ناتوان بی پایه و لرزانی نبود که بشود بسادگی از آن گذشت. فرهنگی بود آنچنان قوی و مستحکم که نفوذش در قرون بسیار در سراسر دنیا انکار ناپذیر است. دوره رنسانس یعنی پایان دوره ظلمت و وحشت در اروپا در مفهوم واقعی آن دوره بازرائی فرهنگ یونان باستان و گسترش علم و خرد و منطق و تفکر بود. جدال با چنین فرهنگی در روزگار کهن کار ساده ای نبود. یک ملت یا یک قوم باید فرهنگی همسنگ آنان میداشت تا می توانست در برابر آنان قرار گیرد

این شهر یکی از مراکز برخورد دو فرهنگ شد زیرا که هم یهودیان و هم یونانیان بسیاری در آن زندگی می کردند. اسفار پنجگانه تورا بدست ۷۲ تن دانشمند یهودی به یونانی ترجمه و در اسکندریه توزیع شد. این نخستین ترجمه تورا به زبانی دیگر بود که سالها مورد استفاده یهودیان یونانی زبان و نیز نخستین مسیحیان قرار داشت. از طریق این ترجمه بود که یونانیان به دین یهودیان پی بردند و با همه تمدنی که داشتند همچون همسایگان بی خرد «یهودیه» قوم یهود را برای پرستش خدای یگانه به طنز و مسخره کشیدند. بقول «وامبرتوموره» محقق پرتغالی اسکندریه «گاهواره ضد یهودیگری» گردید و پایه دشمنی با عقاید یهودیان در این شهر گذارده شد. یهودیان این شهر که بیش از یک چهارم جمعیت را دربرمی گرفتند از درجه ای از خودمختاری بهره مند بودند. فیلوی اسکندری Philo of Alexandria فیلسوف نامدار یهودی که در آخرین سالهای تسلط یونانیان در اسکندریه می زیست از یک گدای ژنده پوش یهودی در بازار اسکندریه می گوید که یونانیان او را بر صندلی می نشاندند و جمعیتی چوب بدست دورش را می گرفتند، بعد صندلی را بلند می کردند و براه می افتادند و فریادکنان او را «مارین» خطاب می کردند و این واژه به زبان آرامی بمعنای خداست. (۴)

تهمت خوردن خون را نیز نخستین بار یونانیان بر قوم یهود وارد آوردند و موجب شدند تا بعدها در دوره رواج عیسویت یهودیان را بکشتن کودکان و آلوده کردن فطیر به خون آنها متهم کنند. در همین نبرد فرهنگی و در زمان چیرگی یونانیان برخاک خوب خدا بود که شایع کردند که «آنتیوخوس Antiochus» پادشاه یونانی چون برای بازدید به معبد پای گذارده مردی یونانی را یافته که او را در آنجا نگه داشته اند تا با خوراندن خوراکیهای لذیذ فریه اش کنند و در راه خدا قربانی اش. داستان بافانی که بسادگی برای خدایان خویش اساطیر جاودانی میساختند در دنیای افسانه باف خود گفتند که یهودیان هر سال مسافری یونانی را

و فرهنگ یهود، با همه ضعف کشورش چنین بود و آنچه که کفه را بسود قوم در می آورد پرستش خدای یگانه بوسیله یهودیان و پرستیدن خدایان چندگانه بوسیله یونانیان بود. در فرهنگ یونانی با آنها اعتلا و قدرتش خدایان بیشمار پرستیده میشدند و برای آنها اساطیر بسیاری ساخته شده بود. کوچک گرفتن مقام این خدایان خیالی ساختگی جرمی سنگین داشت. سقراط، اندیشمند بزرگی که دنیا نظیرش را کمتر سراغ دارد از آنروی در دادگاه آتن بمرگ محکوم شد و با نوشیدن زهر شوکران دیده از جهان فرویست که «خدایانی را که مردم شهر می پرستیدند و نیز مراسم مذهبی از برای آنان را نادیده شمرده بود». (۲)

یونان کشور غالب بود و یهودیان سرزمین مغلوب و خواه ناخواه، فرهنگ آن یکی براین یکی نیز می بایست چیره باشد و چنین بود. نه صرفاً بخاطر آنکه بر فرهنگی دیگر برتری داشت بلکه از آنروی که یونانیان در نبرد با دیگر ملل با حریره فرهنگ پیش می تاختند. کوشش آنها برآن بود که فرهنگ یونانی را با زور و جبر هم شده برملت زیر دست حاکم کنند. مسئله «هلنیسم» یا گسترش فرهنگ یونان یکی از فصول بسیار مهم تاریخ جهانست که چند قرن را در برمی گیرد.

در چنین نبرد فرهنگی است که خونی ریخته نمیشود اما ضربه ها کشنده تر و خرد کننده تر میشوند و پایه های اجتماعی رو بستی میروند و فرهنگ مورد تقلید مورثانه وار از درون، پیکر تمدن جامعه را می خورد ولو آنکه فرهنگ تقلید کننده خود در آغاز قوی تر از رقیب باشد. و فرهنگ یهودی در آن روزگاران به آن حد قوی بود که ارسطوی فیلسوف، در آسیای صغیر با یک یهودی ساده به بحث و گفتگوی می پرداخت و بنا به نوشته یکی از شاگردان این فیلسوف یهودیان در یونان به نام «فیلسوفان شرقی» خوانده میشدند. (۳)

اسکندریه، بندر بزرگی که سردار مقدونی آنرا بنا نهاد پس از گذشت یک قرن وسعت بیشتری پیدا کرد و جمعیت افزون تری را در خود جای داد.

سر موضوع جهیزیه اش که رسم یونانی بوده و در همین ایام وارد قانون یهودی شده به محکمه خوانده میشود. (۶)

تنها یک چیز بود که یهودیت را از فنای همیشگی نجات میداد و آنهم کتاب او بود. و این دقیقاً با آنچه عزرای کاتب و کاهن گفته بود و مردانه گفته خود را به عمل در آورده بود مطابقت داشت. در این ایام تنها وسیله نجات قوم از غرق شدن ابدی در فرهنگ بیگانه، تورا موسی بود. یهودیان با همه شیفتگی شان به تمدن یونانی رسوم مذهبی خود از جمله نیایش روزانه، زیارت معبد، خواندن تورا و حفظ مراسم روز شنبه را محترم میداشتند و در این راه چنان کوشا بودند که حتی یهودیان «اسرائیل پیشین» که تعداد اندکی از آنها پس از حمله آشوریان در سامره و دیگر شهرهای شمالی مانده بودند و آمد و رفت به اورشلیم دیگر برایشان مقدور نبود به ساختن معبدی جدا برای خود پرداختند.

با تمام کشش و گرایش بسوی فرهنگ یونانی معبد اورشلیم همچنان بعنوان مقدس ترین نقطه دنیا بریای ماند، ستایش و نیایش در معبد شامل قربانی کردن، پاشیدن عطر و گلاب بوسیله کاهنان و خواندن سرودهای مزامیر بوسیله لایوان بود. بهنگام اجرای این مراسم جماعتی که ایستاده بودند سرفرود می آوردند و آنگاه از برای رفاه اسرائیل و شهر اورشلیم دعای خیر می خواندند. دعاهاى آنان در این مراسم، پس از انهدام معبد دوم، با دگرگونیها و افزایشهایی، بصورت «تفیلا» و «امیدا» درآمد و رسم ایستاده خواندن این دعاها همچنان ادامه یافت. در پایان مراسم، کاهنان جماعت را با خواندن بندهای ۲۳ تا ۲۶ باب ششم از سفر اعداد برکت میدادند: ادونای ترا برکت دهد و نگهبان تو باشد. ادونای روی خود را بر تو تابان سازد و بر تو رحمت کند. ادونای روی خود را بر تو برافرازد و ترا سلامتی بخشد. (۷)

و این، قدرت عظیم و لایزال معبد بود که چون کوهی استوار پشت قوم ایستاده بود و افراد آنرا از اینکه بکلی در برابر نیروی مرموز فرهنگ بیگانه

می گیرند و به معبد می برند. به او خوراک فراوان می خوراندند و هنگامی که فربه شد او را بر چوب قربانگاه می خوابانند و قربانی اش می کنند. و چون امعاء و احشایش نیز بیرون ریخته شد خوش را می خورند و در همین حال برای عداوت ابدی با یونانیان سوگند یاد می کنند. (۵)

در چنین شرایط زهرآلود و نیز در سایه تبلیغات و دستورات پیاپی سلاح «هلنیسم» است که یهودیان خاک خدا نادانسته شیفته تمدن یونانی میشوند. کسانی که تا دیروز به نامهای زیبای عبری خوانده میشدند برخود و فرزندانشان نامهای یونانی می گذارند. «حونیا» بدل به «اونیاس» میشود و «حونیو» به «اونیوس» تغییر می یابد. آشنائی به زبان یونانی و تکلم بدان بخصوص در میان طبقه مرفه یهودی رنگ افتخار بخود می گیرد. جوانان یهودی به تاترها و باشگاههای یونانی سرازیر میشوند و در ورزشگاهها بسبک یونانیان برهنه مادر زاد به انجام عملیات «ژیمناستیک» می پردازند.

فرهنگ یونانی، فرهنگ بیگانه، در خاک خوب برای شمار بسیاری از مردم بویژه مردمی که در رفاه بسر می برند فرهنگ برتر شمرده میشود و این فرهنگ در شهرهایی چون اشکلون و دیگر شهرهای ساحلی نفوذ بیشتر پیدا می کند. اما مردم ساده روستاها و شهرهای کوچک کمتر دچار بلای یونانیگری و یونان زدگی میشوند. در پاره ای از این دوران و در بعضی شهرها حتی سکه های یونانی ضرب میزنند. براین سکه ها تصویر سرداران یونانی با خط و اعداد یونانی نقش بسته است. در ساخت بناها نیز از شیوه یونانی تقلید میشود. هلنیسم سرسختانه میکوشد که در فرهنگ یهودیان، درون سرزمین اجدادیشان، رسوخ کند و در اینکار مثل همه جاهای دیگر موفق میشود. حتی ازدواج با زنان یونانی، هر چند در مقیاس محدود، رایج می گردد و برای گروهی تحریم زناشوئی با غیر در بوتۀ فراموشی قرار می گیرد. براساس نوشته ای بر کاغذ «پاپیروس» که از آندوران بجای مانده یک مرد یهودی به نام «یوناتان» بوسیله همسر یونانی اش «هلاوت» بر

از پای در آیند حفظ می کرد. اگر بخاطر حفظ شعائر مذهبی نبود، جنگ فرهنگ یونانی با فرهنگ قوم یهود بسادگی می توانست یهودیت را برای همیشه ریشه کن کند و این واقعیتی است که با گذشت صدها سال بارها و بارها در سراسر دنیا و در برابر دیگر فرهنگها به ثبوت رسیده است. در هر اقلیمی و در هر دوره ای که قوم پراکنده در مقابل فرهنگ قوی و حاکم دیگر قرار گرفته فقط در پناه حفظ دین خود توانسته خویش را از نابودی ابدی برهاند.

تسلط تمدن یونان بر مردم خاک خوب زاینده درد بزرگتر دیگری هم شد و آن چند پارچگی قوم بود. در واقع قوم در داخل خاک خود با «پراکندگی» درونی روبرو شد و هرچند دسته و چند گروهی یک راه را برای خود برگزید، بذر اختلاف گروههای مذهبی که بتدریج قویتر و شناخته تر میشد تا بدان حد که در پایان دوره حکومت سلوکیان یونانی به صورت بروز احزاب نیرومند مذهبی سیاسی در آمد در این ایام پاشیده شد. دیگر آن وحدت نظر پیشین وجود نداشت. ای بسا که عقاید سیاسی یونانیان و تعبیر نادرست آنها موجب تفرقه اجتماع شده بود. سبب هرچند ناپیدا بود اما وجود گروهها آشکار بود و هرروز که میگذشت آشکارتر میشد.

«فریسیان» یا «پیروشیم» از نخستین کسانی بودند که خود را از جامعه «جدا» ساختند و به تعبیر و تفاسیر تازه ای از تعالیم مذهبی پرداختند و برای خود صاحب عقاید جدیدی شدند. اینان در تعبیر مشیت الهی برای امور اجتماعی و روزانه راه افراط می پیمودند و چون می گفتند سرنوشت آدمی دست خود او نیست آنچه را در مقابل تجاوز بیگانگان پیش می آمد پذیرا میشدند. فریسیان تورای شفاهی را همردیف تورای کتبی می دانستند و خواهان اجرای رسوم بیشتر و دقیق تر بودند. به دنیای دیگر اعتقادی مطلق داشتند و معتقد به روز رستاخیز بودند. همیشه از ظهور ماشیح بن داود دم میزدند و چشم امید به روزی دوخته بودند که ماشیح در اورشلیم ظهور کند و نیروی بی دینان را از ریشه برکند.

گروه دیگر که صادقان یا صادقان نامیده میشدند میان عامه مردم بیش از فریسیان صاحب نفوذ و صلاحیت بودند. اینان مردمی تقریباً مرفه و عموماً در سطوح مختلف از رهبران اجتماعی بودند. محافظه کاری شیوه شان بود. رسوم اضافی را نمی پذیرفتند و برخلاف فریسیان به رستاخیز مردگان، دیوان و فرشتگان و زندگی پس از مرگ معتقد نبودند.

گروه سوم کاتبان یا سوفریم نام داشتند که افرادی قابل احترام بودند و همانطور که پیش از این اشاره شد، بعنوان مریی و معلم شناخته میشدند. مردانی با سواد بودند که بخاطر نوشتن متون مذهبی اندک اندک در تفسیر قوانین نیز آرموده شده بودند و در مقام قانونشناس و قاضی داوری می کردند. اینان در برابر خدمات خویش بهیچ روی پولی از کسی دریافت نمیداشتند و ناچار بودند برای امرار معاش خود شغلی جدا داشته باشند. سوفریم را «ربای» می خواندند و در کنیساها آنرا در صدر می نشاندند.

حسیدها یا حسیدیم کسانی بودند که اصولاً با سیاست سروکاری نداشتند. افکارشان بیشتر نزدیک به عقاید فریسیان بود اما از آنها تندروتر بودند. از زنان پرهیز می کردند و عقیده داشتند که اصولاً در این دنیا ظالمان در رفاه بسر می برند و عادلان زندگی سختی دارند. اما در دنیای دیگر است که هر کس آنچنان که شایسته اوست خواهد زیست. روزگار را در عبادت میگذراندند و از امور جاری اجتماعی خود را دور نگه میداشتند. اعتقاد اینان به ظهور ماشیح راسخ بود.

و جدا از این گروههای اصلی، دسته ها و گروههای دیگری هم بودند که اعتقاداتی خاص خویش داشتند و بسبب همین جدائی ها و پراکندگی ها جامعه را ناتوانتر می کردند.

این شکافهای عقیدتی که به یونان زدگی جامعه یهودی ساکن خاک خوب افزوده میشد آنرا چنان آسیب پذیر و درمانده می کرد که چون درختی خزان زده هستی شان به نسیمی بسته بود. سلوکیان

تنگدست به بردگی و در میدانهای جنگ به مزدوری کشانده شوند. و باز اندکی بعد، ماموران او حيله گرانه به اورشليم آمدند و ديوار استوار دور شهر را که «نحیما» در ساختن آن نقش بنيانی داشت خراب کردند و از برای خود قلاع و استحکامات نظامی ساختند. ساختن دژ و قلعه در شهرهای بزرگ زیر سلطه يونانیان برای آنان کاری معمول بود و بعنوان پناهگاه سلطنتی بشمار ميرفت اما مردم اورشليم نمیتوانستند این ننگ را بپذیرند و آنرا تسليم بی چون و چرای يهودیان و يهودیت می دانستند.

گرچه در آغاز به يهودیان چندان سخت نمی گرفتند و تنها به اخذ مالیاتهای گوناگون و ترویج گسترده فرهنگ خود بس می کردند اما اندک اندک بر اثر جنگهای يونان و روم و ضعف يونانیان و نیاز بیشتر به پول و ثروت و سپاه، با مردم خاک خوب بنای بدرفتاری را گذاردند و روز بروز خشن تر و یاغی تر شدند تا بدانجا که چون خود خراجگذار رومیان شدند حرصانه به گنجینه معبد مقدس دست انداختند و همه طلا و نقره و اشیاء گرانبهای آنرا به یغما بردند.

در زمان «آنتیوخوس» این یاغیگری و خشونت به اوج خود رسید زیرا که او هدف را بر این قرار داد که ریشه مذهب يهودیان را از جا برکند و یکباره آنها را تابع تمدن يونان کند، هم او بود که با سپاهش هنگام بازگشت از مصر در راه حمله به سوریه در اورشليم توقف کرد و معبد را چپاول. به این هم بس نکرد و دستور داد تا مالیات ساکنان سرزمین يهودیه باز هم افزایش یابد و کشاورزان

1. Encyclopedia Britannica, Chicago, 1986. V25 P.490b.
2. Ibid. V.10 P.929
3. Gribetz, Judah. The Timetables of Jewish History, New York, Simon & Schuster. P.35.
4. Morais, Vamberto. A Short History of Anti-Semitism. New York, Norton & Co., 1976. P.24.
5. Ibid. P.36
6. Gribetz, J. P.39.
7. Ibid. P.42

قابل توجه همکیشان محترم

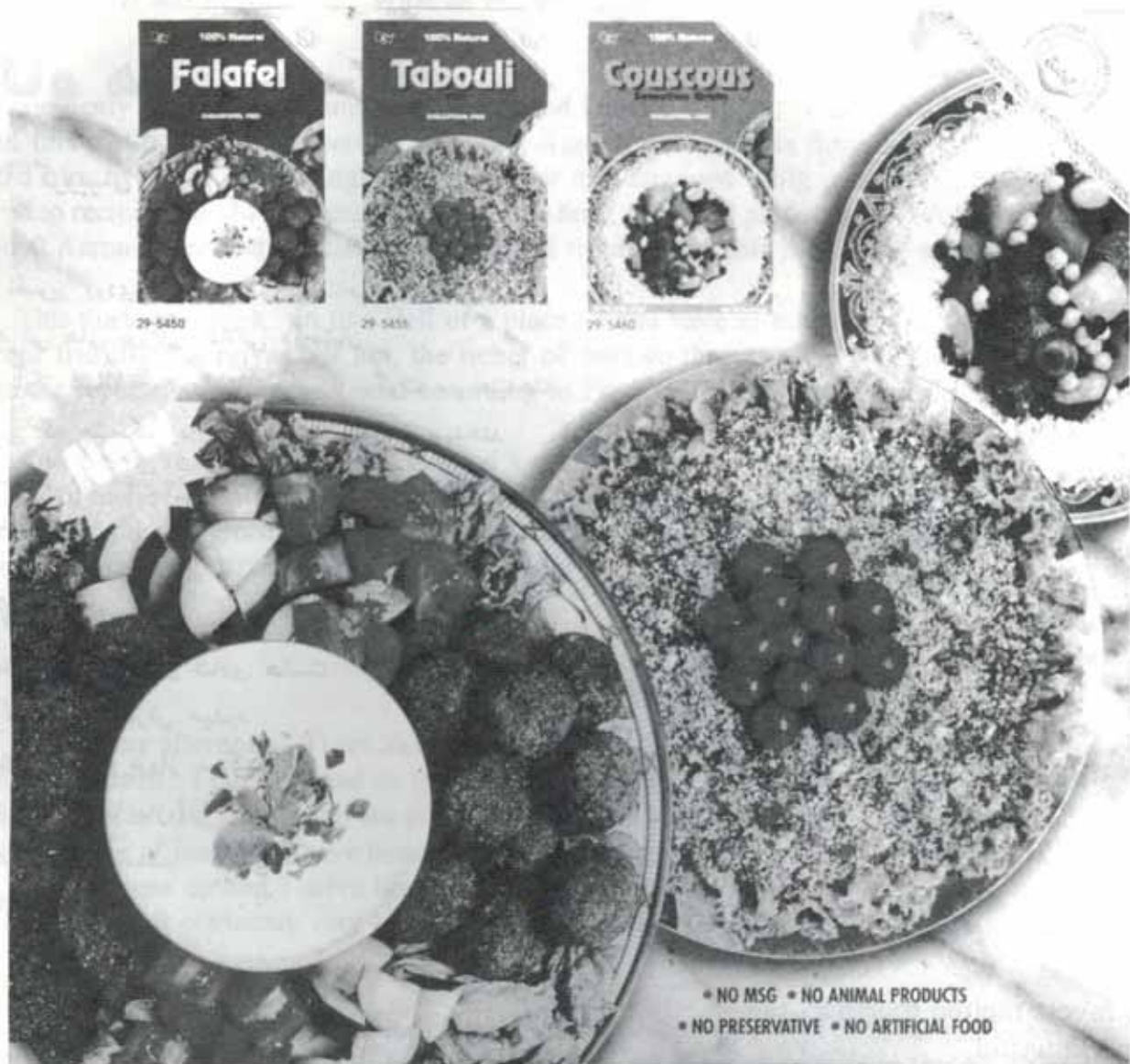
چنانچه امور مربوط به پرونده مدیکل، مدیکر و سوشیال سکورتی شما در ادارات مربوطه دچار اشکال شده است و یا در صدد تشکیل پرونده برای حقوق بازنشستگی وسایر مزایا هستید با ما تماس بگیرید.

دفتر خدماتی ما امور شما همکیشان عزیز را با کمال دقت و دلسوزی و در نهایت بصورت کاملاً محرمانه و با هزینه منصفانه، با توجه به شرایط مالی درخواست کنندگان انجام میدهد. فراموش نفرمائید که در هر سال فقط مدت محدودی وجود دارد که میتوان درخواست های سوشیال سکورتی را به جریان انداخت. پس هرچه زودتر اقدام بفرمائید.

شهین معنوی

تلفن: ۰۲۳۵ - ۴۷۱ (۳۱۰)

محصولی تازه از صدف



شما که از غذاهای FAST FOOD خسته شده اید همین امروز
COUSCOUS - TABOULI - FALAFEL
صدف را امتحان کنید و خواهید دید
خوشمزه ترین و بهداشتی ترین غذا را براحتی در اختیار دارید.

انتخاب صدف انتخاب بهترین هاست

نظرگاه ها

SCENES

از: گیتا کروبیان

Guitta Karubian

My mind has a picture of a river in moonlight
Outlined with reeds that glisten with gold
Crickets sing night songs into the stillness
Answered by stars that twinkle and glow
The river is white in the night in the moonlight
And you are there.

There's a scene in my mind of a toddler in motion
Her radiant face beaming with glee
As she runs to her father
Ribbons fly in the air
Her arms stretch out wide
For he is her world.
And you are there.

I see lovers melted together
Joyful... blissful...
Colored in ecstasy
Wrapped in a rapture
Unknown to reason
And you are there with me.

در ذهنم تصویر رودی است در نور مهتاب
در امتداد نی های بوریای طلانی درخشان
زنجیره ها آواز شبانه خود را تا سراپرده سکوت سر میدهند
و ستارگانی که چشمک زنان میدرخشند، پاسخ میدهند
رود در شب و در مهتاب سفید است
و تو آنجائی.

در ذهنم تصویری از دختر بچه نویانی است در حرکت
چهره درخشانش پرتوافشان شادی هاست
هنگامی که بسوی پدرش میدود
رویانش هایش در هوا پرواز میکنند
آغوش باز میکند با بازوانی گشاده
چرا که پدر دنیای اوست.
و تو آنجائی.

دلدادگانی را می بینم
شادمان ... سرمست ...
از جذبۀها رنگین شده
پوشیده در بیخود شدن
بیگانه با عقل و خرد
و تو آنجا با منی.

That first night my host Fred had invited my favorite singers to entertain us. A couple of them lived inside the fire castle. One of them came down from Paradise. Are you surprised? I was absolutely flabbergasted. How the Hell did they manage to import my favorite singer from Paradise for one night? It was beyond me. What an extravaganza! Soon the paraphernalia needed for opium appeared...

Suddenly an old friend came to my mind and I asked my host, "Fred, what happened to Aaron? Is he in this castle?" Fred answered, "Actually, Aaron's here and his financial situation is not good. I invited him to my home the night of his arrival and arranged a big party for him. But he never bothered to reciprocate. In the deepest Valley area here, there is a place called "Woodland Hells". I've heard that Aaron has rented a small room there and lives a miserable life, never entertaining like this."

This made me think. In this Hell of a place, if you have as much money as your friend does, then your friendship survives. If not, the richer of the two throws a big welcoming party, meant to assuage the reputation of the host, and according to Fred, fulfills his duty, and that's that.

And I now realized that I had entered a world where ethical considerations are shot to Hell. The world of money-people, new-money-people, little-money-people, no-money-people. In this jungle of affectation and self-glorification, there is an absence of any regard for human values and love. In this world, caring and affection have rotted, burned and turned to ashes. And it is here that we are doomed to live.

* * *

It is Friday afternoon. There has been an accident on the Santa Monica Freeway and traffic has come to a standstill. I put my head on the steering wheel and fall asleep. A policeman knocks on the window of the car. I wake up and the police instructs me to move along. I look at my watch. I, who always complain of insomnia, have been sleeping for one hour - and what a dream I had. The freeway traffic slowly opens up and I drive home. I get to my building, open my apartment door and enter. My wife is pale and obviously very tense. She's been talking on the phone, "Here he is, he came, he's home. Thank you."

She puts the phone down and looks at me. Her eyes are wet. The Shabbat candles the children have lit are half-burned. The fabulous smell of *Gondi* and chicken soup is in the air. The children, looking anxious, sit at the dinner table. I am about to say something, but my wife yells, "God, where have you been? We've been scared to death. Couldn't you at least call and say where..." Then she chokes up with tears, throws herself on the couch and covers her face with her hands.

Had my wife finished what she was about to say, she would probably have said: "Where the Hell were you?" And my answer to her would have been: "In the exact same Hell we are living in now."

December 1983.

S
G
M
O
C
A
T
A
T
H
A
R
H
F
A
I
J
C
V
U
A

Coj

Contrary to the monsters we've seen in Hollywood movies, the attendants at the gates of Hell were quite lovely looking angels. Small booths with strong air-conditioning units have been installed in front of the gate to protect these gorgeous angels from the burning heat of Hell. And may you never experience that heat.

The angels to my left and right said good-bye. Having delivered me to the lovely angels at the gate, they departed. I was standing outside Hell's gate. I peeked into the castle. Hot as Hell! An angel inside a cool booth called my name on a loudspeaker. "Here I am," I responded. "Enter please." The gate opened. "Your friends and acquaintances are waiting for you inside the gate," the angel announced. I took a step forward. The heat was unbearable. I returned to the booth. "Excuse me, do you happen to have any anti-burning lotion in your booth? It is scorching in there!" I said. "Go in please, and don't be sassy," responded the angel in the booth. "I didn't mean to be sassy," I replied. "If I go into this inferno, my whole body will blister."

The angel didn't answer me. I realized I had no alternative but to keep my mouth shut and go to Hell. I entered inside the gate onto a street on fire with flames raised to the Heavens. I walked to the end of the street. Suddenly a group of people jumped up and screamed. I froze on the spot. "Surprise! Surprise!" They ran forward hugging and kissing me. All were sweating heavily and had blisters all over their bodies. "Hi Benjamin!... Oh my God, David! How the hell did you end up here?... My dear cousin Isaac, is it you? God I missed you so much!... I can't believe this - Shoshana, you in Hell? This isn't fair. Don't think I mean any disrespect - I am happy to see all of you."

My old friend Fred stood at the end of the hospitality line. Like me, Fred and his car were also totalled on the LA freeways some years ago. I rushed forward and embraced him. What a reunion after this many years. We all went to Fred's house where he had arranged a welcoming party for me. His house was adjacent to the main gate. Actually it was more of a mansion with a huge entrance, a marble door, marble pillars, marble bathrooms, mirrored walls, a mirrored bar - with a mirrored counter top and shelves, and mirrors framed in marble hung above fire places with marble mantles. There were high ceilings and lots of huge rooms. The furniture was all brand new and very colorful Louis XVIII imitations. Chairs, sofas and coffee tables all covered in plastic and a huge piece of protective glass placed on the matching dining room table top. All the fireplaces were lit and the flames danced. It was mandatory.

I sat down. The housekeeper brought me an ice cold sherbet. I drank it down and the cold flowed through my body like healing medicine. My old friends surrounded me and fired me with questions about the other world. I responded to a few. Then I objected. "Let me first learn about where the Hell I am, the I'll answer your questions." And so I asked them about their world - my new world. And as they answered my questions, my heated head started burning. Fred's house was located in a prestigious, most expensive area of Hell, named "Hell Air" by former Los Angelinos. Lower down there was another area they called "Beverly Hells". All the people of our community, able to do so (by hook or by crook), had secured themselves a home in either of these two areas. Of course the weather is hot as Hell, but that's no problem for these guys who have managed to get - God knows how! - two or three 10-ton Premier top of the line air-conditioning units to keep their homes as cool as the Paradise. By the way, believe it or not, the going currency is the Good Old Dollar. I remember my cousin Joseph used to say, "If you take the green Dollar to Hell, you'll be able to buy Heaven with it." →

I stopped on the ladder, looking down. God, what an accident! I saw that my car and I were both crushed. Police cars were coming and going, sirens blowing. Freeway traffic had come to a standstill. In a blink, there was a swarm of reporters, photographers - their lights flashing, and TV cameras rolling. I said to myself, "It's a good thing that I lived to be famous." But soon I realized that this wasn't true. In fact I died to become famous!

The angels started to complain. "Hey Mr.! Shabbat is coming and we have a thousand things to do. Please step on it." I suddenly realized then that I had passed away without having had my last *Gondi* and chicken soup. What though luck. I resumed climbing. After climbing another twenty rungs, I was out of breath. I stopped and looked at the two angels beside me; each had two wings, as big as the wings of eagles depicted in horror movies. I objected: "Before I climb one more step, I have questions that I demand answers to ONE: How many more steps do I have to climb up? TWO: Why should you have these beautiful wings to fly with whereas I have to climb? THREE: Why do you use ladders in this world of advanced technology instead of using escalators like they have in the Los Angeles shopping malls? FOUR: Where the hell are you taking me?" The angels took turns answering my questions, like they do in Persian movies.

The angel to my right: "In answer to your first question, there are no more than two or three thousand rungs to climb."

The angel to my left added: "In response to your second question, all I can tell you is that if you were an innocent angel instead of a sinful man, you would have wings too."

The angel to my right continued: "In answer to your third question, we don't use escalators to save energy."

And the angel to my left responded: "In answer to your final question, we are taking you to where you said - to Hell."

May you never experience such a moment! The impact of the last answer was formidable. What happened to all the good things that I had done in my life time? All the times that I went to synagogue and showed myself to the angels close to His kingdom. All the *brakhas* I bought for \$26 to \$260. All the coins I had dropped in the *sedaca* boxes. I made them announce my name, very loudly, of course, in the synagogue. I forced my way up amongst the leaders of the community and did charitable work. For all this, now I have to climb another three thousand steps? To get to *Hell*?

I came up with a great idea. I'd play the victim. I'd tell them that I had a bad heart and can't climb the ladder. I was about to open my mouth when I heard the angels laughing. The angel to my right spoke: "First, we read your mind. Second, your body, including your heart, is being carried to Santa Monica Hospital at this very moment." No way. I couldn't fool these creatures.

I climbed up the ladder, thinking to myself "Why *Hell*?" There must be a mistake. The higher I climbed, the hotter it got. It seemed to me that we were getting close to my destination. The angel to my right: "You're right. We're getting closer." What clever creatures these guys are! They really read my mind. I could see a huge castle-like building in the distance. It looked like an old Persian castle with flames escaping from the roof, the windows and even from the cracks in its walls. ➤

A LETTER FROM THE OTHER WORLD

Simon (Sion) Ebrahimi

I was driving home on the Santa Monica Freeway. It was Friday afternoon. As usual I had left work early to be home on time for Shabbat services. The car radio was on and a man with a coarse voice was singing. Although I hadn't heard the music before, the lyrics were very familiar and went like this:

*With a ladder, high as the skies
Take me beyond the clouds
Since the air that you breath
Is too heavy for my lungs.*

Where had I heard these words? It was a poem written by Omid, the contemporary Persian poet, who put it this way:

*You, the speculators and conquerors of my city
Now, inevitably, your city.*

He goes on to say:

*If you want me to come down
From my ivory tower
Purify the air of your city with a fine and clear filter
Sweep the skies
And gate your bad breath with a net
Soaked in musk and ambergris.*

I was fascinated by the similar inspiration of the American writer and the Persian poet - albeit the former's intention is to ascend, whereas the latter is putting conditions on his descent. I may have been carried away because all of a sudden BANG!...

There was an accident and my car was smashed between two other cars. I don't know if, God forbid, you have ever experienced a major accident. If you have, I'm sure you can relate to what I am saying. It is very strange but it seems impossible to remember the early seconds afterwards. It's like a movie playing in slow motion. Perhaps this is the natural reaction to catastrophic situations. What do I know? All I remember is that the driver in front of me slammed on his brakes, I slammed on my brakes and the car behind me crashed into my car and me. And thereafter, I remember nothing.

No, I do vaguely remember certain things. I remember climbing a ladder (*as tall as the height of skies*). I remember two heavenly angels were holding me by my arms and we were climbing the ladder together (*beyond the clouds*). I remember the air up there was fresh (Nothing like the air, heavy for that American singer or that smelled so bad to the Persian poet). Apparently I had died. ➤➤

underscores that sensitivity.

One lesser known rule of Kashrut is the prohibition of slaughtering calves and cows in the same facility on the same day. Yes -- it is a compromise with the puritanical view of vegetarianism, but a faith that would demand strict vegetarianism would not survive to achieve its other significant goals. Where Kashrut allows meat, rabbinic teaching implores us to employ sensitivity in the way in which we deal with the animals.

Kashrut has taken on a life of its own. Living in a non-Jewish world, not mixing dairy and meat is also a continuous reminder of the deep values the rest of our Jewish heritage offers us. Maintaining a Jewish identity is not easy. Each trip to the grocery store and each time we sit down to a meal reminds us of our distinctions, provided, of course, that we are educated in them.

Each of us knows what the freeway speed limit is, yet we encounter signs reminding us of it every quarter mile. Without these less-than-subtle reminders, some of us would be prone to step on the gas just a little harder. In a way, Kashrut rules are signs along the highways of our own lives.

One must see the whole picture to comprehend the obvious intent. The result of following the rules of Kashrut is not only compassion and consideration -- after all, Genesis does tell us that we are to care for all living things in the world. Kashrut is a vital instrument for creative Jewish survival.

It prevents blurring the lines between gentile and Jews, it strengthens communal ties. Kashrut may have created hygienic situations as a happy bi-product, but I leave that to the Health Department to administer. If we care about the values Judaism teaches, if we want to create within our children a constant awareness of their identity, a Kosher home will do it every time, and so will an awareness of Kashrut whenever we interact with our neighbors.

Every honest person will admit to the need of introspection of conscience, a self-examination that calls for an inner struggle relating to values to create their own final truth.

The Torah invites continuing scrutiny. That is precisely what the rule forbidding the consumption of the "Gid", (sciatic nerve) is all about, a reflection of the God-wrestling by Jacob when he was about to re-enter the Promised Land.

Good people of all faiths tend to honor those who maintain their own traditions, and it should be a matter of pride for each of us to share with others the lofty ideals of our heritage.



KASHRUT

Rabbi Zvi Dershowitz

Humanity has an example of an unattainable ideal known as the Garden of Eden. It is a utopian dream to which none of us can rise, and it is presented by our tradition as such. None of us can live in that ideal world. The reason Judaism has survived is because of our acceptance of that concept, though we strive toward perfection.

The Torah text says that only in the Garden of Eden was animal slaughter non-existent. When we had to cultivate land by the sweat of our brow, and to face the harshness of the real world, animal slaughter became the norm and even human slaughter became ritualized under the guise of pagan worship.

Our theology teaches that only God is perfect thus leading to the logical acknowledgement of our human imperfections. Religion's intent is to get us to strive toward perfection, albeit we can never achieve it fully.

Only few of us can discipline ourselves to reach the utopian goal of no animal slaughter; thus, one of the rules of Kashrut is to attempt to *limit*, to the extent possible, such activity. The Torah creates categories of animals we may not kill for purpose of human consumption, leaving most of living creatures risk free. All animals in the wild are outside the reach of observant Jews, and our diet permits our consumption of only domesticated animals, whose breeding we can control. Even among those, only the ones that chew the cud and have cloven hoofs are permitted, further narrowing our permitted non-vegetarian diet.

The rules of Kashrut -- the consumption of only permitted foods -- are complex, and rarely does the Torah give reasons for these regulations.

In no instance does the Torah mention health or hygiene as a reason for these prohibitions. But it does caution us not to consume any blood, which symbolizes life itself, and this we avoid so as not to desensitize ourselves to bloodletting in the cruelest meaning of that concept. The aversion to blood will, hopefully lead to despising any blood-letting in the real sense of that term.

The differentiation between dairy and meat has its genesis in the prohibition against seething a kid in its own mother's milk which was done by our forefathers. Every compassionate person will recognize the intent of mother's milk to be nurturing, supporting the process of life; it was anathema to our forefathers that it be used for just the opposite purpose. The eventual expansion of that rule to forbid any joint consumption of dairy with meat products only

MOTHER

Atussa Shafaie

Murky shadows
Flock behind those eyes,
Bringing with them
That which breeds the heroes of man.
Through your suffering,
They enter ethereal fields
Destined to be destroyed.
Still, memories lie restless
Beneath a phantom embrace
As they fight to return
And crawl inside the heart
Which once housed them.

Murmured longings
Catch the wind
Calling for the one
Who long ago cast all out
Into the trap of Hunter Reality.

You must fight, brave one.
Hold fast
To your fledgling lost.
Never fade,
For all lives in you.

Under immortal showers
Thy drink is drunk.
Thinking violence
Sleeps with in the folds of your warmth.
Keep children safe,
For they one day
Must carry you
To heavenly bowers,
And lay you down
In peaceful slumber.

THE BIG FIX

J.T. O'Hara

There are some things I can't be without. I've read enough material lately about addictive personalities and co-dependency. It took me most of last year to finally get through my addictions and understand them. I now realize we are all addicted to something. That first sip of coffee in the morning (oh, how I wish my dog could experience that feeling), the second cup of coffee at 10:00 a.m. along with that donut hidden under papers on my desk, and that wonderful chilled glass of white vino at 6:00 p.m. after a dreadful business day. People are addicted to exercise, food, controlled and out of control substances. I love to put on my faded corduroy fishing pants at the end of the day. There is a feeling for me at that moment of returning to the womb.

I've talked about this with my friends and I discovered that they all know people who are or who have been addicted to something or someone. "So what?" I shouted, "Who cares? I'm guilty of some of the things we talked about. To be perfectly candid, my big addiction is olive oil!" My friends shrieked with laughter. "Olive oil?" "That's right," I said. "I'm never without my virgin olive oil. It has so many beneficial uses I'm sure you never even thought about. Look honey," I said. "Before Dove soap was invented olive oil was used as a cleanser. And in ancient Egypt it was used as a lubricant to help move huge blocks of stone forming the pyramids." "This is Beverly Hills sweetie," they teased. "If we find any developers on Wilshire Boulevard looking to move some stones from their new high-rises we'll give them your number." "Don't be silly ladies, I've always been interested in olive oil. Do you realize it was used as a fuel, burned in earthenware lamps?" "Great!" they continued. "The next time our cable T.V. goes out we'll come over to *your* house and read the emergency number to call by your earthen lamp." "I can't believe that you ladies think that olive oil is just for cooking and salad. Don't you know that the Romans used the leftover liquid both as a weed killer and as an insecticide?" "Praise the Lord," one of my friends mumbled. "Now we have a replacement for all the poison being used to kill the California med-fly. You can be airborne by 0900 with your virgin olive oil." "Kid all you want to ladies, but if you were spiritual people you would know that the wood from olive trees was used for the tabernacle of Solomon's Temple." "You're sounding like Mother Teresa of Beverly Hills," said one of my friends. "Do you mind if we call you Terry II? Neurotics like you are always looking for something new to overdo," she said. "Why don't I make us a nice salad nicoise? You just bring your virgin olive oil and I'll bring sullied croutons."

A PATH THROUGH THE LIGHT

Rebecca Moradian

I came with wings not knowing how to fly
I met many above the clouds
There was one whose feathers lit the summer sky
When our eyes locked and spoke louder than words
For 14 days and nights we shared a lifetime
When others flew between us
There was only one I could see
Until the night left me with an empty sky
there was no sign of the other
And I only wanted to fly

موسسه حسابرسي و خدمات مالي

بيژن رامينه C.P.A. حميد فاني C.P.A.

عضو انجمن حسابداران خبره آمريکا و کانون حسابداران خبره کاليفرنيا

با بيش از ۱۵ سال کار با موسسات بزرگ بين المللی

RAMINEH & FANI
HAMID FANI
Certified Public Accountant
12100 Wilshire Blvd., Suite 635
Los Angeles, CA 90025
(310) 447-5500

- مشاوره و برنامه ریزی مالیاتی برای اشخاص و شرکتها
- تهیه و تنظیم اظهار نامه مالیاتی
- تهیه صورتحسابهای مالی جهت استفاده مدیریت ، بانکها و سایر موسسات اعتباری
- ثبت و نگهداری دفاتر مالی و طرح و تنظیم و سرپرستی سیستم های حسابداری
- تنظیم و رسیدگی به برآورد پیش بینی صورتهای مالی اشخاص و شرکتها
- مشاوره و بررسی در مورد خرید و فروش شرکتها و اخذ وام

دفتر حقوقی

فرهاد اریل

(فرهاد یاقوتی اریل)

وکیل رسمی دادگاه های کالیفرنیا



Law Offices Of

FRANK Y. ARIEL

آسیب بدنی ناشی از تصادفات اتومبیل، تصادفات در محل کار یا زمین خوردگی

امور جنایی (سرقت از مغازه ها و رانندگی تحت تاثیر الکل و مواد مخدر)

تنظیم وصیت نامه، تراست (TRUST)، و انحصار وراثت

امور تجاری و بازرگانی (تشکیل، ثبت و انحلال شرکتها)

امور ساختمانی و معاملات املاک

امور مهاجرت و تابعیت

امور مالی و ورشکستگی

روابط مالک و مستاجر

امور کالکشن COLLECTION

(310) 286-2626

1801 CENTURY PARK EAST, TWENTY-FOURTH FLOOR, CENTURY CITY, CA 90067

when a child will chant from the Book of Sureness while being watched by the All Natural One. In this event we hope the child will realize for himself that he is prepared to face the challenging world of adulthood."

Sitting on the stage adjacent to Jonathan, I glanced at him. His apprehension which had gradually disappeared had unexpectedly come back. I noticed his face turn pale with fear and his perspiring, his quivering hands.

"Don't worry. Everything will be okay. You have no reason to be apprehensive," I assured him.

"I'm about to take the examination of dignity," he worriedly replied.

All of a sudden, sacred music began to be heard throughout the House of Worship. All Natural One was to appear any moment and summon Jonathan to the lectern to chant the passages.

Then, All Natural One appeared before the congregation. Immediately, the music grew more audible, and the congregants gaped in awe of Him. He looked towards the congregation and bowed to show deep respect and greetings. He assumed a meditative position, and there followed moments of spirituality and deep thought.

When He had completed his prayer, he gestured to Jonathan to come to the lectern and chant the sacred passages. Reluctantly, Jonathan approached the lectern and began to chant from the Book of Sureness.

With every note he sang, it was like The Force was singing with him. He chanted the words with strength, expression, and most of all dignity. Not once did he stutter on the words.

"And the Force said that was good," Jonathan chanted completing the last passage. Jonathan looked up at the congregation beaming with joy.

The congregants applauded and cheered at Jonathan's success. All Natural One shook his hand and blessed him with happiness, health, and success.

I embraced Jonathan commenting, "Thou hast passed the examination of dignity."

He responded, "My apprehension is what caused me to think that way."

WE ASK YOU

Each month Shofar poses a question: a moral, ethical, religious, or social dilemma to which everyone is invited to respond. Opinions will be printed in the following issues based on thoughtfulness, variety of opinions and space considerations.

FOR NEXT MONTH , THE QUESTION IS:

What is your greatest fear? If you could overcome it, how would your life be different?

*Send your answers to: Shofar, Attention: Question of the Month
or fax to (310) 275-1551*

The Lessons of the Teacher

Once a week Jonathan goes to his teacher to learn the sacred passages of the Book of Sureness. The teacher, whose name is Frank, discusses the passages with him so that Jonathan can comprehend the sacred literature. Also Frank prepares him to sing the passages for All Natural One. But of course, he expects Jonathan to practice during his extra time to make for perfect knowledge of the works.

Frank is a very experienced teacher. He has prepared a vast number of children for their bar-mitzvahs, and the majority of them succeeded in their performance in front of All Natural One. Also, he is known to teach more the words in the Book of Sureness. Through mutual friendship and communication between the student and him, he helped the student learn self-esteem, helped to establish a moral code for the student, and to reduce the feeling of apprehension. During this preparation, Frank was very influential over Jonathan.

One day feeling bored, I jokingly demanded, "Jonathan, I challenge thee to a duel in backgammon." He always won that game.

Jonathan replies, "Alas, Sister, I cannot accept the duel for I must practice my readings." Frank always stresses, "Practice makes perfect."

"Dost thou still feel apprehensive of this event?" I inquired of him.

"Yes I still do feel apprehensive. To me, this is like an examination of dignity," Jonathan replied, "But according to Frank, a bar-mitzvah is a rite of passage from childhood to adulthood. It is considered a joyous event cherished by the child and the family."

Gradually, Jonathan's apprehension began to deteriorate. He no longer thinks of his bar-mitzvah as an examination of dignity; his apprehension is what caused him to think that way. As the months pass, we watch Jonathan progress in his studies like a bird learning how to fly.

The Big Day

The Day arrived; Jonathan would become a bar-mitzvah. After months of intricate preparation and anticipation, the time had come. From his viewpoint, he would take the examination of dignity. Like a bird learning how to fly, today he'd render his first flight into adulthood.

Shortly before the ceremonies commenced my family and I were greeting our relatives as they entered the House of Worship. So many people came to celebrate this special day with us. I felt a sense of pride for my brother and family overcome me. I think Jonathan felt the same way. I could tell by his excited expression as he greeted the relatives.

The congregants were seated. The service was to begin. Frank strode to the lectern on the stage and began to sermonize, "We have gathered on this special day to celebrate the joyous event of Jonathan's bar-mitzvah. A bar-mitzvah is a rite of passage from childhood to adulthood. It has been rendered for many centuries from generation to generation and so on. It is a time

THE APPREHENSIVE EVENT

Monica Daneshrad

Monica Daneshrad is 15 years of age currently studying at Viewpoint School. Her pastime includes reading, writing, and singing. She also enjoys weightlifting. Her aspirations are to study medical science and literature at Stanford University and train to become a doctor. Monica is involved with many school committees such as JSA (debate team), and choir, and Student Council.

Prologue

I will explain the duty of an adolescent child according to the religion of Difucianism. At approximately age 12-13, he/she will go through the intricate process of a bar-mitzvah, a rite of passage from childhood to adulthood. It is considered a joyous event cherished by the child and family. Yet, there is a fearsome challenge that awaits the child. He must spend months before the bar-mitzvah preparing to read sacred passages from the Book of Sureness. On a chosen day, he will recite the passages in the House of Worship being watched by All Natural One.

All Natural One is a very religious figure. He is mortal, but he has an aura of holiness within him which nobody else possesses. A child looks upon him as fearsome and intimidating. All Natural One has a telepathic relationship with the Force, the One Difucianists believe created the earth. He gathers questions and prayers from the worshippers and telepathically interprets them to the Force. All Natural One is very spiritual and respected by all.

Examination of Dignity

The bar-mitzvah of my brother, Jonathan is to be in six months. My family has been talking ecstatically about it for quite a while. However, Jonathan is very apprehensive. Whenever it is the topic of conversation, he always excuses himself from the room.

In a week, he is to begin preparations for this anticipatory event with a teacher. Jonathan feels having a bar-mitzvah is like taking an examination of dignity which one will either pass or fail. Although a bar-mitzvah isn't supposed to convey that idea, Jonathan's apprehension has caused him to think that way. We tried to assure him, saying he'll do well and not to worry about making a mistake. Yet, no amount of encouragement and advice relieves him from his apprehension.

A SCENT OF PRAYER

Rebecca Moradian

Chrysanthemums
Sit in the palms of my hands
When my grandfather comes
And taps my eyes
With his face

His aura floating
amid blue and white
Where a shiny forehead
Protrudes with long deep lines
From moments
When he would frown

Smile she said
Just a little
Life is short

I knew his smile
An energy from his hands
To mine
Displaying his teeth
Each time he lifted me up
From the ground

A petal I was
He said
Known to blossom



گیتا کروبیان

"Personalized attention given to each case."

GUITTA KARUBIAN

ATTORNEY AT LAW

(310) 858-6464

* Attorney at Law
* Real Estate Broker
* Over 19 years of experience

Real Estate • Business • Immigration
Family Law • Dispute Resolution

**WARNING: This article contains words which may not be suitable for certain readers.
Rabbinic discretion is advised.**

THE ARTICLE

Amir Ohebsion

Although the opinions I have expressed in this article do not necessarily reflect those of Shofar, appropriate measures have been taken to protect the readership's constitutional rights to life, liberty and the repression of happiness. However, Shofar assumes no liability for any civil unrest or revolutionary sentiment that may arise due to the contents of this article.

Let the record show that I am not affiliated with any political, religious or singles organizations and that it is not my intention to create an atmosphere of celibacy, chastity or hostility within the Jewish community. One of the names mentioned in this article is fictitious and any resemblance to actual persons is purely symbolic and coincidental.

I am fully aware that everything I say can and will be held against me and my family, therefore, on my attorney's advice I shall not make any references to sex, Buddhism, trees, Jesus, vegetarianism, incense, black holes, meditation, the 60's, yoga or Japanese gardens. Furthermore, I suspect that the editors of Shofar would prefer that I not state my opinion that "virginity is not necessarily a virtue" for fear that it may offend certain readers -- even though this opinion is protected by The First Amendment.

I have not received any monetary compensation for this or any other article that I have submitted to Shofar, and I do not stand to gain financially from my published opinions. This article does not necessarily reflect any discontent with our legal system nor any contempt, subconscious or otherwise, for censorship. Subject to space availability and pending the approval of my honorable Rabbi Schlomo, the remainder of this article may or may not appear in the following issue.

All comments and inquiries must be directed to my attorney. You may also contact my attorney if you were recently wronged, cheated or abused. This article is protected by the copyright laws of the United States Library of Congress. Any reprinting of this article without my express written consent is prohibited. All rights reserved.

Meanwhile, why don't you think about what you are and are not reasonably comfortable with in regards to protocol for meeting men or 'khastegars' and have a conference with your parents so everyone understands the ground rules to prevent future misunderstanding or embarrassment. From what little you write in your letter, I am certain that your parents are willing to try to make you happy and do things your way or meet you halfway.

Bon chance and let us know what happens.

* * *

To receive advice from Madam Shofar, simply fax your questions to "Madam Shofar" at (310) 275-1551 or mail them to Shofar, 6505 Wilshire Boulevard, Suite 811, Los Angeles, CA 90040, "Attention: Madam Shofar."

DEAR ABBY - LOOK OUT!

She Has Arrived

* * "MADAM SHOFAR" * *

Is Here.

ONLY IN SHOFAR SHE WILL COUNSEL AND ADVISE READERS SEEKING
ADVICE ON A MYRAID OF TOPICS INCLUDING MATTERS OF THE HEART.

ASK HER

THEN LOOK FOR YOUR ANSWER IN HER COLUMN

NAMES NEED NOT TO BE DIVULGED

To receive her advice, simply direct your letter or question to

* * "MADAM SHOFAR" * *

at Shofar or fax to: (310) 275-1551

As social beings, we sometimes find ourselves in relationships we need help with. Chances are, whatever your problem, other are also in similar problematic situations. With this edition, the English Section of Shofar commences publication of a friendly advice column advising readers with answers to questions about human relationships of all types.

Names need not be disclosed to Madam Shofar. That means you can send us your questions anonymously and we'll respond.

Dear Madam Shofar:

I am an eighteen year old Persian girl. My parents have been pressuring me to go out on blind dates ever since I was seventeen, but I have been successfully able to brush them off. But now that I am eighteen my parents have been putting a lot of pressure on me to see this one *khastegar*. They have even gone to the length of giving this guy (that I have never seen before) my personal number so he can personally call me and persuade me. I don't want to disobey my parents but at the same time I do not want to go out with this guy. What am I to do?

Signed: Waiting

Dear Waiting:

Madam Shofar appreciates this first, ice-breaking query.

You're a very strong 18 year old and you've done well so far in letting your parents know who you are and what you want. Now your parents are insisting that you meet this one particular *khastegar*. Your letter doesn't state whether your resisting is because you don't want to get married now, or because you don't want their help in meeting men, or because you don't appreciate the Persian "*khastegar*" style.

I think you should be open to meeting this man. Your parents have been very sensitive to you in giving him your number so you can talk to him yourself a la American-style, rather than going through his and/or your parents arranging for you to meet with families *en masse*, a la Persian-style. By the time of this response, you have probably already received his phone call and spoken with him. If you would feel more comfortable, meet him on neutral turf, like a cafe, so you can leave if and when you like. But meet him.

You might actually *like* the man. It sounds like your parents know you pretty well, and they seem to think you should meet. Maybe you'll make a friend. But you owe it to yourself to meet him. As every new town we visit expands our knowledge of the world we live in, so each person we meet can introduce us to a new world of ideas and interests. Meet him, and open a new door.

THE TOP 10 . . .

EXCUSES GIVEN TO END A RELATIONSHIP:

Foujan Neman

10. It struck me that the 20-year age gap between us might be a problem;
9. My psychic advised me that our planetary formations are in conflict;
8. I was just contacted by a younger, better-looking "khastegar" with a bigger bank account;
7. I found out that your area code is 818, not 310;
6. When you snapped at the waiter I had a sudden flash that you would be snapping like that at me in five years;
5. Terrorizing me for using your cellular phone for more than one minute frightened me;
4. "Choone-ing" with the rose lady made me feel quite uncomfortable;
3. I want to get my Master's Degree before I become an ordinary housewife;
2. Right now, I'm too busy preparing for my Sweet 16;
1. I just found out that the 560 Mercedes you drive is under lease and that you don't own it.

IN THE NEXT EDITION:

THE TOP 10 MOST USELESS PRODUCTS THAT COULD BE PATENTED
(Example: Square Wheels).

*Please submit your response to Shofar, Attention: Top 10,
or fax to (310) 275-1551 by February 7, 1996*

LETTERS TO THE EDITOR

Dear Editor,

Sam Kermanian makes many fine points in his very astute response to my article "What Can Judaism Do for Me?". But he misconstrues some of the basic ideas that I have tried to relate: the refusal to become religion's servant, he confuses with arrogance; the search for answers, he conflates with the demand for instant quick-fixes; a suggestion of enlightened change, he distorts into blame; a request for guidance he dismisses as childish irresponsibility. Unfortunately, this tendency to listen without really hearing what is being said typifies the relationship between generations in our community. Willfully or not, Mr. Kermanian appears to have entirely ignored the point of my article that there is very little within current popular practices of Judaism that compels young people to stay with the religion. He is correct to say that religious practice or lack of it is a matter of choice. But then he stops short of the next logical question -- which is, why should we choose Judaism? He is right to assert that any spiritual journey requires effort and investment; but why should our investment be made in Judaism? I feel this question is central to the issue of "losing the young people", and must be acknowledged by our rabbis and elders, even if Mr. Kermanian fails to do so. And I maintain that as far as I'm concerned, it is their core responsibility to engage us onto the Jewish path, rather than alienate us from it. The alternative, i.e. leaving us to our own devices, will just mean greater losses.

Omid Arabian.

Dear Editor,

I'm very pleased that Mr. Kermanian has chosen to participate in what I hope to be an open forum where we can all express our views and concerns. In his article "Choice and Responsibility," Mr. Kermanian makes many valid and reasonable points, but unfortunately he leaves many questions unanswered. Ironically, he himself is guilty of offering a "quick fix" response to what I believe is a complex and neglected issue.

First, given that much of our religious experience is limited to synagogue service, and in many cases only during the High Holidays, we must ask why is it so, and what if anything can be done about this epidemic? Second, if the pursuit of Judaism is a matter of choice, as Mr. Kermanian insists, then what will be the future of Judaism in our community if the young make the choice to reject it? In my judgement, Mr. Kermanian downplays, if not ignores, the role of our rabbis, synagogues and religious organizations in both these matters. If it is not their responsibility, even obligation, to keep us interested, challenged and educated, then whose is it?

Mr. Kermanian is absolutely correct in asserting that making Judaism more fulfilling for oneself requires a willful choice, dedication and commitment. He suggests that as a first step, one can take Torah classes instead of Yoga classes and read up on Jewish thought rather than other spiritual books. As they say, "Where there is a will, there is a way," but what Mr. Kermanian fails to address is "what if there is no will to pursue Judaism?" After all, in this world of choices, Judaism is by no means the only path to spirituality. I too can play the "devil's advocate": I am satisfied with my knowledge of Judaism, as limited as it is, and would like to explore other philosophies and ideas. Quite frankly, I am more interested in practicing Yoga than in studying the Torah; and I would rather learn to play piano than learn to read Hebrew.

Can Mr. Kermanian respect the view and choices of this devil's advocate and accept the results? And assuming that many others share the same view, what will be the future of Judaism in our community?

Amir Ohebsion

1996 - A HIT OR A MISS

Guitta Karubian

Well, here we are at the start of another year. Another beginning full of potential. Another year full of promise and filled with promises we've made to ourselves.

It's another chance to do all those things we've wanted to do, to be all those things we've wanted to be that have just somehow eluded us day after day, month after month and year after year.

Another chance to be healthier, more knowledgeable, live a more productive, rewarding and happier life... the list of resolutions we made - or meant to make - is long.

Sincere in our intentions, we profess to want so much for ourselves. Yet our dreams most often seem to go up in smoke. Somehow, our energy fizzles and our old but comfortable status quo holds fast.

We want to change *but we can't*.

Today's book stores have entire sections devoted to re-inventing ourselves. The influence of popularized New Age and eastern philosophy employing techniques such as self-hypnosis and meditation in place of medication have added new stock to the already burgeoning self-help inventory. Yet we often can't even get up enough steam to open and read the books we so determinedly buy. *We can't*.

Why? What happens to our hopes for ourselves? What overtakes our dreams? What makes it so impossible for us to change old patterns and inject our lives with positive energy?

In a word, perception. We render ourselves impotent by the perception that we are victims of circumstance. We cleverly create for ourselves a scenario wherein someone or something outside of ourselves is responsible for what and who we are. Often in these scenarios it is our parents who did it to us. (*"If only my mother and father had/hadn't...* Of course, our parents can in turn blame *their* parents.) Sometimes it is our body image. (*"If I were slim I'd rule the world."* In fact, most of history's greatest rulers were ugly and/or overweight.)

We are each born with as much potential as the New Year holds. And we habitually mutilate that potential and our idea of self. We become *victims*.

Of course, by creating these fictional repositories of power and transferring our power over to them we diminish our own empowerment. But that's okay because in return, our laziness is now justified and our adherence to the old, less than daring but comfortable (if not terribly fulfilling) *status quo* is excused. A simple concept, really.

If we really want to grow, we need only claim our right to do so; our essence will do the rest. And excuses? They're only that. Just excuses. And it is our choice to hide behind them.

Just do it!
Guitta Karubian

SHOFAR



*Iranian American
Jewish Federation*

6505 Wilshire Blvd., Suite 811
Los Angeles, CA 90040
Telephone : (213) 655 - 7730
Fax : (213) 655 - 1221

- * Shofar is a publication of the Iranian American Jewish Federation, a non-profit organization.
- * Writers contributions to Shofar are voluntary and free.
- * All contents of articles contributed are the sole responsibility of the relevant writers and/or the quoted source.
- * Certain articles appearing in Shofar have copyrights.
- * Shofar will not assume responsibility for the contents of advertisements.

Editor-in-Chief:

Simon (Sion) Ebrahimi

Administrative Editor: Elias Eshaghian
Staff Photographer: Mansour Pouretahad

English Section

Editor:

Guitta Karubian

Contributing Writers:

Sepideh Haggayan Amir Ohebsion
Rebecca Moradian Farid Safaie-Kia
Michael Issac Shokrian

Farsi Section:

Staff writers:

Guity Boroorkhim Barokh Boroorkhim
Shokooh Darvish Houshang Ebrami
Sam Kermanian Nouri Kharrazi
Nasser Oheb Nina Ostovar
Farzaneh Talei Parvaneh Yousefzadeh

Advertise in Shofar

Full page (inside)	\$ 250
Half page	\$ 150
One third page	\$ 125
One fourth page	\$ 100

*For more advertising information,
please contact us at the above
telephone number.*

Contributing Writers To This Edition:

Monica Daneshrad	- Student
Zvi Dershowitz	- Rabbi, Siani Temple
Simon S. Ebrahimi	- Media Personality & Business Consultant
Guitta Karubian	- Attorney at Law and Real Estate Consultant
Rebecca Moradian	- Literary Liason
Foujan Neman	- Student
J.T. O'Hara	- Author and Literary Packager
Amir Ohebsion	- Jewelry Designer
Atussa Shafaie	- Student

Cover Photo:

Georges Chamchoum - Film Director and Photographer

REFLECTIONS FOR THE NEW YEAR

"Things may come to those who wait, but only the things left by those who hustle."

Abraham Lincoln.

"We are continually faced by great opportunities brilliantly disguised as insoluble problems."

Henry Ford.

"Progress always involves risks; you can't steal second base and keep your foot on first."

Fredrick Wilcox.

"Obstacles are only seen when you take your eyes off your goals."

Anonymous.

"Failure is the opportunity to begin again more intelligently."

Henry Ford.

"Today every Jew feels that to be a Jew means to bear a serious responsibility not only to [our] own community, but also to humanity."

Albert Einstein.

Your ballots will not have your names, only random numbers, a copy of which you can keep in your records in case you would have any inquiry regarding your vote. Your voter package will include instructions for voting.

If you belong to a household that is on the IAJF mailing list but has more than two eligible voters you may request additional ballots for such household members by calling the IAJF office prior to March 1, 1996. Copies of IDs may be requested by the office for this purpose.

If you are aware of households that are not on IAJF mailing list and wish to vote, please encourage them to contact the IAJF office prior to March 1, 1996 and arrange to have their names, addresses and the names of any additional eligible household members placed on the mailing list. IDs may be required for ballot requests of more than two.

Parallel to the activities of the "Elections Committee" and in coordination with it the IAJF Board has elected an "Elections Supervisory Committee" (ESC) composed of Messrs. Eliahu Ghodsian, Prof. Shemoil Rahbar, Nejat Gabbai and Ebrahim Shemoelian.

The ESC will take possession of all ballots from the time that they are printed, oversee their mailing, receive them back, supervise their counting and then authenticate and announce the results. All community organizations that wish to have representatives on the ESC may do so by introducing such representatives to the IAJF Board no later than February 15, 1996.

All return ballots will be pre-addressed to a special mail box access to which will be granted to ESC only.

A SIMPLE COMPUTATION

- * Shofar goes out to 5,500 addresses.
- * The cost of mailing out 5,500 flyers to 5,500 addresses is a minimum of \$800.
- * A full page advertisement in Shofar costs \$200 (and the envelope doesn't get tossed into the wastebasket before it's opened.)

IT DOESN'T TAKE A GENIUS TO FIGURE OUT THE COST EFFECTIVENESS OF ADVERTISING IN SHOFAR, FARSI AND/OR ENGLISH.

We'll make sure 5,500 households see your ad.

Iranian American Jewish Federation

NOTICE OF ELECTIONS

In accordance with its bylaws and the procedures adopted by the Elections Committee and approved by the Board of Trustees and the Executive Board, the Iranian American Jewish Federation (IAJF) will be holding its elections for fifteen community at large members on April 30, 1996.

The IAJF invites the active participation of all eligible community members in this important event.

Eligibility Requirements for Candidates:

All California residents of Iranian Jewish descent who are 26 years of age or older and who do not have a criminal record.

Candidates who wish to be placed on the ballot are required to register with the IAJF office and fill out the candidacy form not later than March 1, 1996.

All candidates will be afforded equal opportunity by the IAJF to introduce themselves to the voters through any of the following means available to IAJF:

- Shofar Magazine
- Special mailing
- Events, or other mass communications means.

Except for a brief introduction mailed prior to or together with the ballots no candidate will be required to participate in any of the above mentioned publicity events. On the other hand all candidates who so wish are allowed to undertake any additional campaigning that they may chose, to the extent that such activities conform to the norms of social behavior.

Eligibility Requirements for Voters:

All California residents of Iranian Jewish Descent who are 18 years of age or older and whose names and correct addresses appear on the IAJF mailing list on or before March 1, 1996 are eligible to vote.

If you or your spouse are already on the IAJF mailing list you will automatically receive two ballots (over 10,000 ballots), with the names of all the registered and qualified candidates.

Coming Soon To Your Synagogue
THE ISRAEL BONDS HIGH HOLY DAYS APPEAL

8.25%
 Floating Rate Issue Bond

Minimum Subscription:
 \$25,000

Current Annual Interest Rate
 For bonds purchased through
 October 1995

Bonds purchased in November
 will receive December 1 rate

Maturity: January 31, 2003

\$100

State of Israel Certificate

Non-interest bearing

Maturity: 5 years

\$500

Minimum Subscription

7th Development Issue
 Current Income Bond
 4.00%

Maturity: 15 years

7.00%

5th Individual Variable
 Rate Issue Bond

Minimum Subscription:
 \$5,000

(\$2,500 or \$2,000 for IRAs only)

Current Annual Interest Rate
 for bonds purchased through
 October 1995

Bonds purchased in November
 will receive December 1 rate

Maturity: 12 years

This is not an offering which can be made only by prospectus from:



6222 Wilshire Boulevard, Suite #300 Los Angeles, CA 90048-5123
 (213) 939-3000 (800) 922-6637



NEW

\$100

State of Israel Certificate*

**A MEANINGFUL GIFT
 FOR ANY CELEBRATION!**

Bar/Bat Mitzvah ... Wedding ... Birth ... Birthday ... Anniversary

*Pass on the tradition of supporting Israel
 through your gifts to family and friends*

* The State of Israel \$100 Certificate is non-interest bearing, matures in 5 years, and after one year can be redeemed in Israel for Shekels or used toward a round-trip flight to Israel on El Al Israel Airlines, under current provisions.

This is not an offering which can be made only by a prospectus from Development Corporation For Israel
 6222 Wilshire Blvd., Suite 300, Los Angeles, CA 90048 (213) 939-3000

K. BANAYAN & ASSOCIATES
ATTORNEYS AT LAW



دفتر حقوقی

کورش بنایان

وکیل رسمی دادگستری آمریکا

دکترای حقوق از آمریکا

فوق تخصص حقوق بین المللی از انگلستان

امور ملکی ، تجاری (تاسیس شرکت ها ، تهیه و تنظیم
اساسنامه و قراردادها) ، دعاوی داخلی و بین المللی

تصادفات و خدمات بدنی

(310) 785-0800

1801 Century Park East, Suite 1460, Los Angeles, CA. 90067

Facsimile (310) 785-3908



*Iranian American
Jewish Federation*

January 1996

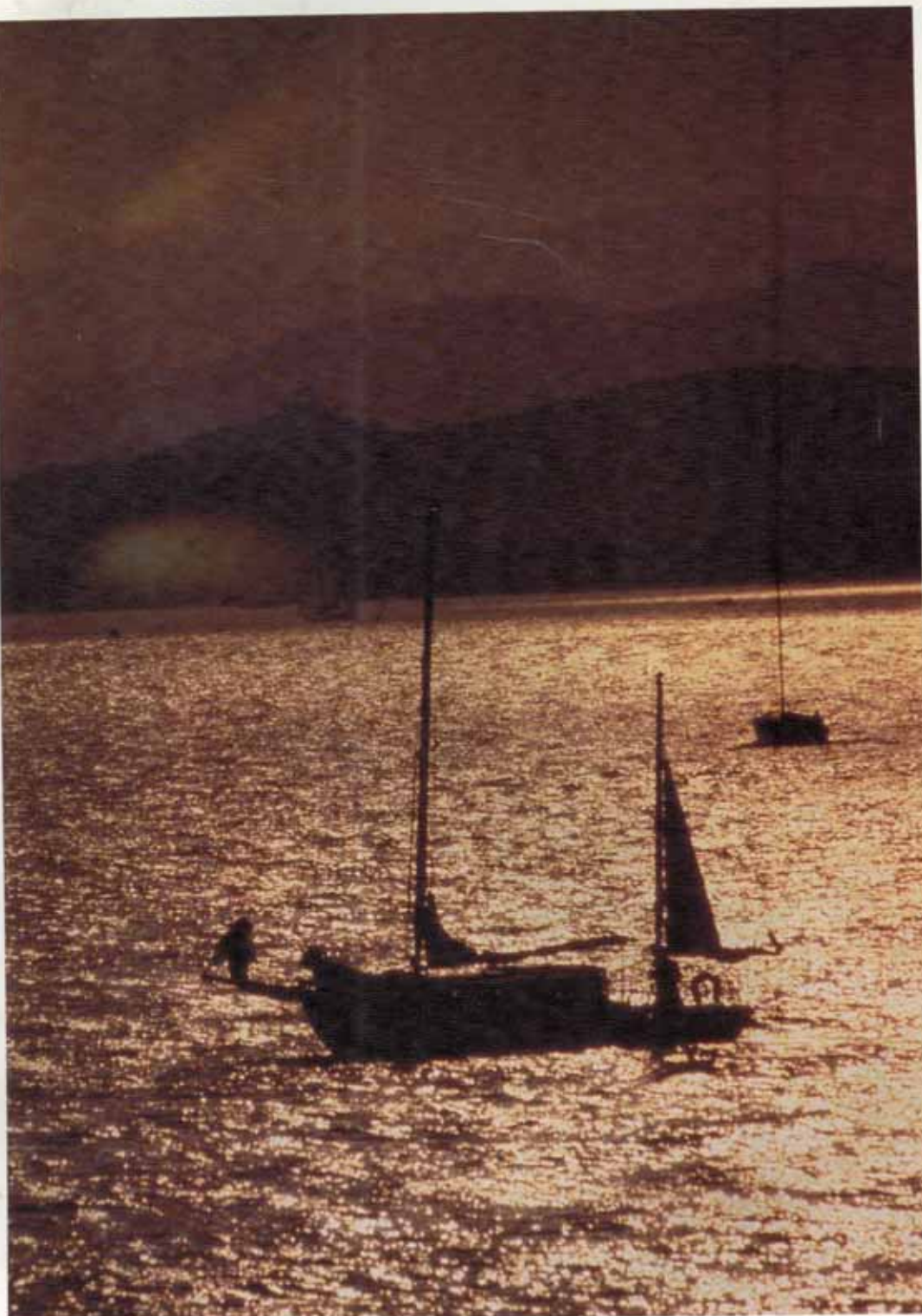
SHOFAR



An Affiliated Organization of
Jewish Federation Council
of Greater Los Angeles

Vol. 97

554-8706



© Georges Chamchoum

SHOFAR

IRANIAN JEWISH FEDERATION
6505 Wilshire Blvd., Suite 811
Los Angeles, California 90048



Dr. SOLOMON AGHAI
121 N Oakhurst Dr
Beverly Hills CA 90210-5504

454638

Non-Profit Org.
U.S. Postage
PAID
Beverly Hills, CA
Permit No. 236

ADDRESS CORRECTION REQUESTED